

# توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران (توفان)



پرونده‌های جهان متحد شوید!

شماره ۱۹۸ دی ۱۴۰۱

## فهرست مطالب

- ۲.....تجمعات کارگری ربطی به فراخوان های ضد کارگری و «رنگین کمانی» ندارند
- ۳.....آیس‌ها در سرزمین عجایب.....
- ۳.....پیام تبریک به مناسبت عید کریسمس و سال نو میلادی.....
- ۴.....تیم ملی مراکش هم تاریخ ساز شد وهم پرچمدار دفاع از فلسطین.....
- ۵.....جنگ هیبریدی Hybrid War یا جنگ ترکیبی ، چگونه جنگی است ؟.....
- ۶.....در حاشیه اعدام محسن شکاری و اشک تمساح دول غربی.....
- ۷.....در جبهه نبرد طبقاتی.....
- ۱۱.....در همبستگی با کارگران ایران.....
- ۱۲.....«حجته الاسلام والمسلمین» محسن قرائتی چه می گوید؟.....
- ۱۲.....به مناسبت پنجاه و دومین سالگرد اولین توفانی شهید، رفیق نصرالله جعفر نژاد.....
- ۱۳.....باز هم در باره شعار "زن ، زندگی ، آزادی".....
- ۱۴.....آیا رژیم گشت ارشاد را منحل کرد یا این یک تاکتیک سیاسی است؟.....
- ۱۵.....«ده افسانه در باره اسرائیل».....
- ۱۶.....خانه بیداد می کند!.....
- ۱۶.....بیانیه کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست-لنینیست در محکومیت کودتای پرو.....
- ۱۷.....پاسخ دندان شکن یانيس واروفاکيس وزير اسبق اقتصاد يونان به مجری تلویزیون «سعودی اینترناشنال».....
- ۱۸.....چند کلام در مورد نبرد ایران با ناتو در اوکراین.....
- ۱۹.....تظاهرات و شورش پس از کودتای جناح راست در پرو و چند درس مهم از این کودتا.....
- ۲۱.....متن بیانیه قرائت شده در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.....
- ۲۲.....برگی از تاریخ.....
- ۲۳.....جنگ روسیه و اوکراین، جنگ روسیه علیه «ناتو» و نئونازیسم است.....
- ۲۴.....۲۱ دسامبر، صد و چهل و دومین سالگرد تولد استالین.....
- ۲۵.....ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده.....
- ۲۶.....گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش.....
- ۲۸.....پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام.....



امید و چشم انداز روشنی را از جوانان سلب کرده و این در کنار بقیه تبعیضات موجود از جمله تبعیض جنسیتی عامل اصلی این اعتراضات است.

با توجه به رشد تورم افسار گسیخته در ماه‌های اخیر و تاثیر آن بر زندگی و معیشت کارگران پیگیری مطالبات افزایش دستمزد متناسب با افزایش تورم در ماه‌های پایانی سال از سوی تشکل‌های کارگری ضروری به نظر می‌رسد. چرا که در نبود اهرم فشار لازم از سوی کارگران، به نظر می‌رسد دولت مانند سنوات گذشته به یک افزایش حداقلی در حدود بیست درصد اکتفا کند و این پاسخگوی جبران تورم نیست. چرا که بنا به احتساب و اعلام نهادهای رسمی و غیر رسمی **خط فقر عددی بین دوازده تا هیجده میلیون تومان در ماه است.** این در حالی است که حداقل دستمزد در حال حاضر چیزی در حدود چهار میلیون و هشتصد هزار تومان است که فاصله بسیاری با رقم خط فقر اعلام شده دارد. در چنین شرایطی لازم است تشکل‌های کارگری با انسجام به تجمعات و طرح مطالبات خود از جمله افزایش دستمزد مهم‌تر از آن حق برخورداری از سندیکاهای مستقل پافشاری کنند و از طرح شعارهای زودرس و انحرافی نظیر «اداره شورایی» پرهیز کرده و بهانه را از سرکوبگران بگیرند. به امید روزی که کارگران آگاه و متشکل تحت رهبری حزب واحد طبقه کارگر پرچمدار مبارزه برای کسب عدالت و آزادی گردند و با اتکا به نیروی مستقل خویش و در اتحاد با سایر زحمتکشان زمینه‌رهای ملت ایران را فراهم سازند. چاره کارگران وحدت و تشکیلات است! زنده باد رزم متحد کارگران علیه سرمایه داران زالو صفت!\*

## تجمعات کارگری ربطی به فراخوان‌های ضد کارگری و «رنگین کمانی» ندارند

در طول ماه‌های گذشته اعتراضات فعالین و تشکل‌های کارگری همچون گذشته البته در ابعاد محدود تری ادامه داشته است. اگرچه در بعضی موارد نظیر تجمع اعتراضی کارگران ذوب آهن اصفهان، برخی شبکه‌های اطلاع رسانی امپریالیستی فارسی زبان سعی در مصادره به مطلوب آنها کردند و خواستند و انمود کنند که این اعتراضات نیز در راستا و در پیوند با اعتراضات بدون چشم انداز منسوب به بعد از جانباختن هموطن ما، خانم مهسا امینی بوده، اما در واقع چنین نبود و این رشته اعتراضات و اعتصابات کارگری در ادامه مطالبات برحق کارگران و مخالفت آنها با ادامه سیاست‌های اقتصادی ضد کارگری دولت ارزیابی می‌گردد. تجمعاتی نظیر تجمع آتش نشانان در مقابل شورای شهر تبریز و کارگران رسمی صنعت نفت عسویه نیز با طرح مطالبات شفاف در خصوص افزایش دستمزد کاملاً موید این مدعاست. در واقع آنچه مسبب اصلی این اعتراضات کارگری است یعنی اعمال سیاست‌های نئولیبرالی اقتصادی در سه دهه گذشته را می‌توان بعنوان حداقل یکی از مهم‌ترین اسباب اعتراضات موسوم به اعتراضات مهسا نیز قلمداد کرد. چرا که برارباب علوم اجتماعی پوشیده نیست که نابرابری‌ها و معضلات اقتصادی ایجاد شده بر اثر همین سیاست‌های نئولیبرالی در بین طبقات و اقشار جامعه هر گونه

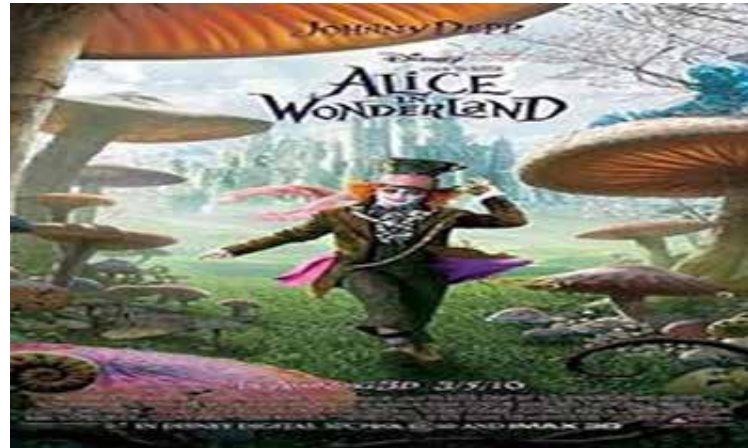
آری «رسانه‌ها» توانستند در مدت کمتر از ۳ ماه جوانان ما را به سرزمین عجایب آلیس بکشانند و آنها را در یک جهان موازی، جهانی که در آن نه «امپریالیسم» وجود دارد و نه چیزی به معنای «میهن»، که آن را باید در متن و حد یک شعار «مرد میهن آبادی» جست؛ در این جهان موازی مرزهای «اعتراض» و «اغتشاش» درهم ریخته‌اند؛ مفهوم «ترور» از محتوای آن تهی شده؛ قتل و خشونت امری اخلاقی محسوب شده و تخریب امری «شرافتمندانه». در این جهان «اتحاد» را برای «تجزیه» می‌خواهند، تا نمادی شود برای «آزادی». طبقات جامعه در این جهان موازی جای خود را به شهروندانی داده‌اند از جنس خنثی، زن و مرد؛ در این جهان مفهوم «آزادی» از مضمون طبقاتی و تاریخی‌اش تهی گشته و تبدیل شده به یک امر جنسیتی و احساسی؛ این جهان موازی عمق ندارد، همه چیز در سطح می‌لغزد؛ در اینجا سیاست، فلسفه، تاریخ، این شاخه‌های درخت علم و معرفت از بُن بریده شده‌اند. در این سرزمین عجایب، آلیس‌ها شمشیرشان را علیه هر آنچه که تاکنون بوده است، از رو بسته‌اند؛ در این سرزمین عجایب باید تک تک صفحات تاریخ ایران را پاره کرد، به دور ریخت، چون این تاریخ در این جهان آلیس‌ها دیگر بکار نمی‌آید؛ سرزمینی که اگر آتش این خیزش فروکش کند، می‌توان با صفحات پاره شده تاریخ نسل‌های گذشته، آتش این خشم فروخته را روشن نگاه داشت. آری تاریخ این سرزمین عجایب قدمت ۹۰ روزه دارد.\*



## پیام تبریک به مناسبت عید کریسمس و

### سال نو میلادی

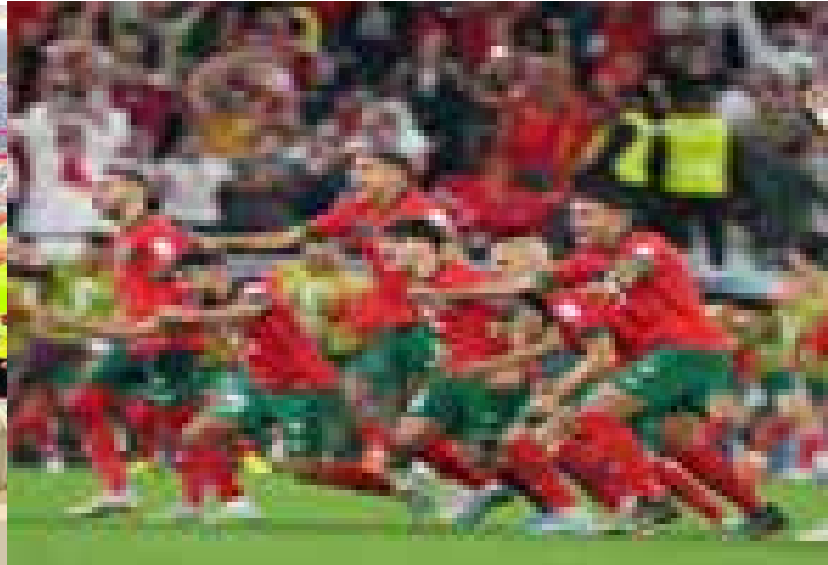
عید کریسمس و سال نو میلادی را پیشاپیش به همه هموطنان مسیحی و دوستان و رفقا تبریک می‌گوئیم. به امید اینکه سال ۲۰۲۳ سال پیشروی و موفقیت طبقه کارگر و همه مردم تحت ستم و صلح دوست جهان علیه جنگ افروزان جهانی و درراسش امپریالیسم آمریکا و پیمان نظامی ناتو و تشدید پیکار طبقاتی علیه نظام سرمایه‌داری و برای آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی باشد، برای همه عزیزان موفقیت و شادی و سربلندی آرزومندیم.\*



## آلیس‌ها در سرزمین عجایب

حوادث ۳ ماه گذشته زخم‌های عمیقی در روان جامعه ما بجا گذاشته که به نظر می‌رسد به این زودی التیام نیابند. در این ۳ ماه گذشته «رسانه» به عنوان یک کارزار جنگ روانی عمل کرده؛ میدان جنگی که در آن همه علیه همه به پا خاسته‌اند؛ میدان نبردی که احساسات در این نزاع همگانی دیگر امری انسانی و طبیعی محسوب نمی‌گردد، بلکه تبدیل شده به سلاحی برای مرعوب و منکوب منطق و عقلانیت؛ ابزاری برای بستن شریانات و مجاری ارتباط بین ذهن و عین؛ دُشنه‌ای برای نابینا کردن و ندیدن حقیقت؛ طناب داری بر گردن هر آنکس که در مقام پرسشگری برآید، وسیله‌ای برای ترور عواطف خانوادگی و اجتماعی و گسستن رشته‌های دوستی‌های دیرینه؛ برای مسموم ساختن فضای جامعه؛ برای هویت‌زدایی؛ برای پاره کردن تعلقات ملی؛ برای مخدوش ساختن و جابجا کردن مرزهای ارزشی.

آری در این مدت کوتاه حتی مفاهیم «فکر و اندیشه»، «شک و تردید» که برای ذهن پرسشگر و برای علوم عقلی از ملزومات‌اند، دیگر محلی از اعراب پیدا نمی‌کنند. مفهوم «زبان و گفت‌وگو»، این بدیهی‌ترین وسیله ارتباط انسانی با محیط پیرامونش، به یکباره تبدیل شدند به مفاهیمی که می‌بایستی آنها را از فرهنگ سیاسی بیرون راند. زمان زمانه «پیروی» است؛ زمانه‌ای که باید کرکره و بساط اندیشه پرسشگر را پایین کشید، زمان زمانه اعتصاب عقلانیت است، زمانه‌ای که اگر پیروی نکنی، تو را به سکوت وامی‌دارند. زمان زمانه عمل انقلابی است، انقلاب برای تخریب ارزش‌ها، انقلاب برای گسست تاریخی؛ زمانه‌ای که در آن دچار نسیان تاریخی شده‌ایم؛ زمانه‌ای که تجربه و عمل، که محک و معیار حقیقت است، در آن رنگ باخته است و آنچه معیار و مناط حقیقت شده است، آنچه‌یست که تنها رسانه‌ها به ما الغاء می‌کنند؛ زمان زمانه‌ای است که حقیقت را باید در دنیای مجازی جست؛ زمانه‌ای که باید در دنیای موازی زندگی کرد. گویی حقیقت از دنیای واقعی رخت بر بسته و وارد دنیای موازی شده، چیزی شبیه به آلیس در سرزمین عجایب.



## تیم ملی مراکش هم تاریخ ساز شد و هم پرچمدار دفاع از فلسطین

صعود از مرحله مقدماتی برای مراکشی‌ها یک اتفاق تاریخی و بزرگ بود و بسیاری از کارشناسان این مرحله را پایان کار تیم آفریقایی می‌دانستند اما زمانی که آنها برابر اسپانیای پرستاره و مدعی ایستادگی کردند و برای رسیدن به مرحله بعد دروازه شان را بسته نگه داشتند تا کار به ضربات پنالتی کشیده شود، بارقه‌های امید برای صعود تیم شگفتی ساز زنده شد و پیروزی ۳ بر صفر در ضربات پنالتی طلوع جدیدی در دوران فوتبال «مغرب» بود. آنها با بردن اسپانیا به دنیای فوتبال نشان دادند که برای خلق شگفتی بزرگ به قطر آمده‌اند. صعود از گروهی که بلژیک در آن حذف شد و پیروزی برابر اسپانیا این اراده و ادعا را نشان داد. مراکشی‌ها به یک چهارم نهایی صعود کردند تا نام شان برای همیشه در تاریخ فوتبال آفریقا ثبت شود. مراکش سپس در مقابل تیم پرتغال قرار گرفت و از سد این تیم پرآوازه نیز گذشت و به یک چهارم نهایی رسید.

**تیم ملی فوتبال مراکش با وجود عملکرد استثنایی، دور از انتظار و فوق‌العاده در جام جهانی ۲۰۲۲ توانست چندین رکورد را به نام خود ثبت کند:**

**یکم:** به‌عنوان نخستین تیم آفریقایی به نیمه‌نهایی جام جهانی صعود کرد اما در بازی مقابل فرانسه، اسیر بدشانسی و تجربه بالای مدافع عنوان قهرمانی شد و در بازی رده‌بندی هم مقابل کرواسی تن به شکست ۲ بر یک داد تا به چهارمی درجهان بسنده کند.

**دوم:** بازیکنان تیم ملی مراکش ۲۴ میلیون دلار (معادل ۹۷۵ میلیارد تومان) پاداش از جام جهانی ۲۰۲۲ را بین مردم کشورشان تقسیم کردند و نشان دادند چه پیوند عاطفی و انسانی با مردم میهنشان دارند.

**سوم:** مراکشی‌ها در جام جهانی ۲۰۲۲ هم برای خودشان جنگیدند هم برای فلسطین. مراکش حالا می‌تواند الگویی مناسب برای فوتبال ایران و سایر ممالک جهان باشد. بسیاری از فعالان حقوق ملت فلسطین و مبارزان ضد

تیم ملی مراکش تاکنون در شش دوره جام جهانی حاضر بوده است که از چهار سال قبل و زمانی که با تیم ملی ایران همگروه شده و مورد توجه اهالی فوتبال قرار گرفتند. مردان سرزمین مغرب در نخستین دیدار خود در جام جهانی روسیه به مصاف تیم ملی ایران رفتند و در حالی که از نظر فنی برتر از شاگردان کی‌روش بودند اما روی یک اشتباه مدافع خودی دروازه شان باز شد و بازنده آن بازی شدند. آنها بعد از جام جهانی روسیه رو به جلو حرکت کردند و در سال ۲۰۲۰ عنوان قهرمانی مسابقات ملت‌های آفریقا را به خود اختصاص دادند. پیشرفت مراکشی‌ها اما متوقف نشد و آنها در آخرین روزهای انتخابی جام جهانی ۲۰۲۲ و در شرایطی که به پلی‌آف رسیده بودند، با پیروزی برابر کنگو مجوز حضور در قطر را کسب کردند. زمانی که قرعه کشی بیست و دومین دوره مسابقات جام جهانی انجام شد، امید مراکشی‌ها برای صعود از مرحله مقدماتی زیاد شد اما خیلی‌ها تصور نمی‌کردند آنها بتوانند با اقتدار از این گروه راهی مرحله یک هشتم نهایی شوند. کانادا، کرواسی و بلژیک تیم‌های همگروه مراکش در مرحله مقدماتی بودند که خیلی‌ها شانس صعود را به کرواسی و بلژیک دو تیم اروپایی و پرستاره می‌دادند. اما برای تیمی که خودش را «خوب» آماده حضور در قطر کرده بود، دو تیم پرستاره و قدرتمند و مدعی اروپا هم نمی‌توانستند سد راه باشند، مراکش با ۷ امتیاز بالاتر از کرواسی و بلژیک راهی مرحله یک هشتم نهایی شد تا بلژیک با همه ستاره‌هایش از دور مسابقات کنار برود و به خانه برگردد.



## جنگ هیبریدی Hybrid War یا جنگ ترکیبی، چگونه جنگی است؟

جنگ هیبریدی یا جنگ ترکیبی به مجموعه روش‌های پیچیده روانی و تبلیغاتی اطلاق می‌شود که نبردهای متداول و نامتداول سایبری و اطلاعاتی را در خود جای دارد. هدف آن حمله به مواضع راهبردی کشور مفروض است که روش‌ها و موارد زیر را شامل می‌شود.

- اول؛ تضعیف اقتصاد کشور «دشمن» از طریق تحریم.
- دوم؛ خرابکاری در منطقه تحت کنترل توسط افراد مزدور.
- سوم؛ جنگ اطلاعاتی و ایجاد اغتشاش و بلوا.
- چهارم؛ نبرد در فضای مجازی و تخریب سیستم‌های اطلاعاتی.
- پنجم؛ حمایت ریاکارانه از جنبش‌ها و دامن زدن به اختلافات.
- ششم؛ آموزش نیروها برای جاسوسی، خرابکاری و ترور افراد.
- هفتم؛ آموزش جنگ هیبریدی یا جنگ روانی از طریق رادیو، ماهواره، مطبوعات، شبکه‌های شایعه پراکن، جعل اسناد، پخش ویدئوهای ساختگی و نشر اخبار دروغ و غیر واقعی.

چنین سیاست‌های رذیلاانه و ناجوانمردانه و کذب سال‌های درازی است که از طرف ممالک سرمایه داری غرب، خصوصاً آمریکا، علیه کشورهای «یاغی» و مستقل و نیمه مستقل نظیر ونزوئلا، کره شمالی، ایران، روسیه، چین، سوریه، فلسطین، یمن، کوبا و بعضی از کشورهای مرفعی و مردمی آمریکای لاتین و آفریقا اعمال می‌گردد. به عنوان نمونه؛ امپریالیست‌های «ناتویی» به سرکردگی آمریکا ده‌ها میلیون زن و مرد مسلمان و بیگناه خاورمیانه و شمال آفریقا را به خاک و خون می‌کشند ولی ریاکارانه برای مسلمانان «اوغور» در چین اشک تمساح می‌ریزند و از «حقوق بشر» و «دموکراسی» و «حقوق زنان» دم می‌زنند؟!\*

به گفته حافظ:

«برو این دم بزم دگر نه - که عنقا را بلند است آشیانه»

صهیونیست از برآمد تیم مراهکش علیه اسرائیل و درهمبستگی با ملت فلسطین الهام گرفتند و این شرایط را فرصت خوبی برای هم داستان شدن ساخته بودند و جام جهانی قطر هم با همه مشکلاتش، ثابت کرده که یک پلاتنفرم قدرتمند برای به صدر کشیدن مساله فلسطین بود. در حاشیه برنامه عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و متجاوز اسرائیل و کشورهای عربی که میراث دوران ریاست جمهوری ترامپ است، بسیاری از ملت‌های منطقه احساس کرده‌اند که توسط دولت‌هایی که به عادی سازی روابط پاسخ مثبت داده‌اند نادیده گرفته شده‌اند، بلند کردن پرچم فلسطین در بازی تیم‌های ملی این کشورها نوعی بیانیه سیاسی علیه سازشکاری و خیانت دولت‌ها و اسرائیل است، در چارچوب توافق نامه عادی سازی روابط که به «توافق ابراهیم» معروف است، دولت‌های مراهکش، امارات متحده عربی و بحرین روابط خود را با دولت اسرائیل عادی اعلام کردند. در هر حال بزرگترین بازنده جام جهانی قطر، رژیم متجاوز و صهیونیستی اسرائیل بود و بزرگ‌ترین برنده جام جهانی قطر خلق فلسطین بود که در سکوت و خفقان بین المللی در صد اخبار جهانی قرار گرفت. نکته مهم پایانی اینکه تیم ملی فوتبال مراهکش تیم ملی این کشور است و نه تیم ملی حکومت پادشاهی و مستبد مراهکش. ایدئولوژی افراد تیم و نظریات سیاسی آنها و نوع حکومت آنها در هیچ کجای جهان تعیین کننده ماهیت ملی بودن یک تیم نیست. ایرانیانی که می‌خواهند تیم ملی‌ای یک‌دست، یک‌صدا داشته باشند که فقط نظریات یک عده خاصی را نمایندگی کنند مستبدانی هستند که معلوم نیست چه خوابی برای آینده ایران دیده‌اند. «دموکراسی» و «آزادی» خواهی تبلیغاتی آنها ارتجاع و خفقان محض است که صدای دشنه و ساطور و کوکتل مولوتف آنها از هم اکنون هنوز بر سر قدرت نیامده به گوش می‌رسند. کسانی که از شکست تیم ملی ایران در یک شرایط نابرابر مسرور شده و در تهران و یا سنج رقصی کردند و پرچم ننگین آمریکا و انگلستان را بر سر دست گرفته و مانور دادند حتی اگر توجیه کارشان با نفرت ضد رژیم می‌زین گردد، به اقدامی جنایت کارانه بر ضد تمامیت ارضی ایران و سرنوشت ۸۵ میلیون ایرانی وطن دوست دست زده‌اند که سزاوار مجازات‌اند. این نفرت فقط در شکل و ظاهر علیه جمهوری اسلامی است ولی از نظر مضمون ضد مردم ایران از کودک و بزرگ سال است و تدارکی برای عادی سازی تجاوز آمریکا به ایران می‌باشد. از قدیم گفته‌اند این نیز بگذرد. حاکمان رفتنی هستند ولی ایران ماندنی است. و رو سیاهی به دغال‌های سعودی انترنشنال و پرچمداران آمریکا، انگلیس و اسرائیل در ایران خواهد ماند. اگر تماشاچیان مراهکشی الگویی از همبستگی و حمایت از تیم ملیشان بودند و مورد تحسین جهانیان قرار گرفتند، آن بخش از تماشاچیان ایرانی حاضر در استادیوم که عربده «بیشرف بیشرف» در بازی با انگلستان سردادند و یا پس از شکست تیم ایران از آمریکا به رقص و شادی پرداختند، مورد نفرت و نکوهش اکثریت ایرانی‌ها و نیروهای ترقیخواه جهان قرار گرفتند و جزاین نیز نمی‌باشد.\*



دل از این اعدام شادمان است، زیرا خودش آن را تدارک دیده و باید از این فرصت استثنایی که در اثر جنایت و بی توجهی رژیم به حقوق مردم زمینه ساز چنین شرایطی شده بیشترین بهره برداری را برای مقاصد شوم خود بکند. غرب برای حفظ نظم کهن تک قطبی و جنگی که در عرصه جهانی در گرفته است امنیت و تمامیت هیچ کشوری را که در جبهه مخالف قرارداد برنمی تابد و با توسل به قهر و خشونت و جنگ هیبریدی پاسخ می گوید. هیاهوی دلسوزی برای نقض حقوق بشر و مخالفت با اعدام از جانب کسانی که مردم کشورهای مخالف را با بمب های رادیو آکتیو و خوشه ای و گازهای سمی به صورت میلیونی نابود کرده و می کنند اوج ریاکاری و حاکی از ماهیت ضدبشری این استعمارگران نو و کهنه است. آنها در این جنگ روانی ابزار موثری در تبلیغات می سازند تا برای ناقضان حقوق بشر و حقوق ملل، کارساز و مفید واقع شود.

## در حاشیه اعدام محسن شکاری و اشک تمساح دول غربی

**سوم:** رژیم جمهوری اسلامی که امروز بیش از هر زمان احساس خطر می کند و خود را در اثر سالها تحمل دزدی و فساد، خویشاوندسالاری و تبعیض در محاصره از درون و برون می بیند برای برون رفت از این بن بست و دامی که برایش گسترده اند مثل همیشه یک راه را برگزیده است، راه تشدید سرکوب و اعدام برای ارعاب. هیچ رژیمی با تکیه به سرکوب و پامال کردن حقوق مردم و بدون حمایت ملت، امکان ایستادگی در مقابل دشمن خارجی را ندارد و محکوم به شکست است. رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی تصمیم دارد راه وابستگی اقتصادی نئولیبرالی و خصوصی سازی های جنایتکارانه را ادامه دهد و انبوهی از نارضایتی در خدمت طبقات حاکمه بیآفریند. برای حفظ امنیت داخلی و تمامیت ارضی و موجودیت ایران راهی جز احترام به حقوق ملت، آزادی و عدالت اجتماعی و تکیه به فرودستان جامعه وجود ندارد. رژیمی که تکیه گاهش سرمایه داران گردن کلفت، رانتخواران و بانکداران نزول خوار، حوزه های مذهبی و انگلی باشند، قدرت ایستادگی در مقابل دشمنان خارجی را نخواهد داشت، یا توسط آنها سرنگون و یا در اثر فشار و تحریم های بین المللی تسلیم خواهد شد.

**یکم:** محسن شکاری صرف نظر از نیت درونش که برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی مسلح شده و به نیروهای امنیتی حمله کرده و یک نفر را به قصد کشت مجروح نموده بود، بعد از طی «مراتب قانونی در دادگاه قضائی جمهوری اسلامی» محکوم شناخته شد و در عرض مدت کوتاهی اعدام گردید، وی مانند بسیاری فریب خوردگان قربانی سیاستی شد که هدفش برانداختن رژیم جمهوری اسلامی بدون داشتن دورنما و چشم انداز روشن بود. تشویق جوانان به شورش و براندازی رژیم با توسل به هروسيله، شعار و تحت هر شرایطی، امید کاذب دادن به فروپاشی رژیم و گوشت دم توپ کردن جوانان ناراضی در یک مقابله زودرس و نابرابر آنها تحت تاثیر جنگ هیبریدی و اعمال رهبری فضای مجازی اجانب به بهانه کسب آزادی ایران و تحقق دموکراسی و احترام به حقوق زنان و کرامت انسانی، ریاکاری جنایتکارانه ایست که هدفش فقط ایجاد هرج و مرج و تقویت تروریسم داعشی و عادی سازی عملیات انتحاری و بمب گذاری در ایران است.

**چهارم:** راه پیروزی مردم ایران راه وحدت و تشکیلات با دورنمای روشن سیاسی و اقتصادی است. راه پیروزی مردم ایران مرزبندی روشن با دشمنان ایران و اجانبی است که خون ملت ایران به دستشان چسبیده است و ریاکارانه خود را غمخوار ملت ایران جلوه می دهند. راه پیروزی ملت ایران تکیه بر نیروی خویش است. تنها با بسیج مردم و شرکت میلیونی آنها می شود امید پیروزی انقلاب را داشت و تروریسم، خرابکاری، ناامنی، تخریب و آشوبگری را به انزوا و شکست کشانید. باید به نیروی مردم متحد اعتماد کرد.\*

حال در پرده دوم این نمایش اشک تمساح ریختن برای این قربانیان فریب خورده، سیاست تبهکارانه ای است که جز ویرانی و جنگ داخلی و تجزیه کشور در خدمت اهداف شوم آمریکا و اسرائیل در منطقه هدف دیگری در سر ندارد.

۱۸ آذر ماه ۱۴۰۱

بر گرفته از کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان)\*

**دوم:** سیاست کشته سازی و سواستفاده از کشته ها برای ادامه آشوب و تشویق جوانان به قهر و پشتیبانی از تخریب و تروریسم از سوی دول غربی را باید در چهارچوب نزاعی که در عرصه جهانی در گرفته است مورد ارزیابی داد. غرب امپریالیسم از ته

گروه‌های منحرف راست و چپ جیره خوار با طرح تئوری‌های ضد میهنی و شبه تروتسکیستی تلاش می‌کنند تا افکار سفارش شده اربابان امپریالیستی-صهیونیستی خود را به کارگران و زحمتکشان تزریق کنند. کارگران ایران برای پیروزی در مقابل دشمنان ریز درشت خود، تنها می‌توانند بر نیروی لایزال خود در تشکلات مستقل صنفی و سیاسی خود تکیه کنند. بدون تشکل و بدون رهبری آگاه و مدبر امکان رسیدن به سر منزل مقصود وجود ندارد.

امسال نیز حکومت سرمایه‌داران اسلامی از بی‌تشکلی کارگران و زحمتکشان سوءاستفاده می‌کند و میزان افزایش حقوق برای سال آینده را چنان تعیین می‌کند که با وجود تورم موجود قدرت خرید مردم نه تنها بالا نمی‌رود که کارگران و زحمتکشان فقیرتر از گذشته با گول گرانی بیشتر از قبل روپرو خواهند بود. در آذر ماه وقایع مبارزاتی کارگران شاغل و بازنشسته اگرچه در ابعاد محدودتری ادامه یافت که در ذیل به برخی از این مبارزات اشاره می‌کنیم:

### سرکوب و مقاومت ۵ آذر

خانواده‌های بازداشت شدگان اعتراضات اخیر در آبدانان مقابل دادسرای این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند. «اسکندر لطفی»، سخنگوی شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، در زندان تهران بزرگ، مورد ضرب و شتم بازجویان قرار گرفت. شدت شکنجه و کتک کاری به حدی بود که این معلم بازنشسته تا چند روز وضعیت جسمی وخیمی داشت و البته هیچ نوع رسیدگی‌ای به وضعیت ایشان نشد و هیچ نوع مداوایی صورت نگرفت. انجمن صنفی معلمان مرئوس این برخورد را بشدت محکوم ساخت و خواهان آزادی بی‌قید و شرط آقای لطفی شد.

در پی تشدید وضعیت وخیم جسمانی و درد شدید، «رضا شهابی» به بیمارستان امام خمینی اعزام شد. سندیکای کارگران شرکت واحد با انتشار اطلاعیه‌ای نگرانی جدی خود را از تداوم حبس «رضا شهابی» اعلام نمود و خواهان عمل جراحی فوری برای شهابی و آزادی ایشان شد.

### ۶ آذر

حکم پنج سال زندان «جعفر ابراهیمی»، بازرس شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در حالی که در بیمارستان بستری می‌باشند در دادگاه تجدید نظر تأیید شد. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران ضمن محکومیت تأیید حکم «جعفر ابراهیمی»، و برخوردهای غیرانسانی با ایشان در بیمارستان، خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط آقای ابراهیمی شد.

### ۸ آذر

«محمد مملی گلزاری» و «کیانوش کردپور» از کارگران بازداشت شده که در پروژه‌های نفتی شاغل بودند آزاد شدند.



## در جبهه نبرد طبقاتی

### اخبار، گزارشات و اعتراضات کارگری در آذر ماه ۱۴۰۱

تجمع کارگران ذوب آهن اصفهان برای رسیدگی به مشکلات صنفی، حقوق و مزایای خود

### چون کوه نشستم من با تاب و تب پنهان صد زلزله بر خیزد آنگاه که برخیزم

هوشنگ ابتهاج

طبقه کارگر و زحمتکشان ایران همواره در اشکال مختلف در پیکار با دشمنان طبقاتی خود هستند. در حالی که با سرمایه‌داران و حکومت سرمایه‌داری اسلامی در نبردی نابرابر برای یک زندگی شایسته می‌باشند، می‌بایست با امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها، این دشمنان خارجی ایران نیز، برای حفظ استقلال کشور در نبردی سرنوشت ساز برزمنند. در حالی که با دشمنان عیان و بی‌نقاب جبهه سرمایه‌داران در نبردی دائمی بسر می‌برند، می‌بایست با دشمنانی با نقاب جانبداری از کارگران نیز در رزم بی‌امان باشند.

دشمنان رنگارنگ کارگران و زحمتکشان حتی لحظه‌ای از فکر بی‌حقوق سازی مردم شریف ایران و نابودی وطن کهنسال ما خارج نمی‌شوند و دائماً در اتاق‌های فکر خود در حال توطئه چینی علیه ایران و ایرانی هستند. آنچه مردم ایران را در عرصه مبارزه «از دستمزد عادلانه و امکانات رفاهی، بهداشت و درمان گرفته تا آزادی، استقلال و بدست گرفتن قدرت» یاری می‌رساند وحدت و اتحاد و تشکل یابی در سازمان‌های صنفی و سیاسی مستقل کارگران می‌باشد.

هرسال سرمایه‌داران و نمایندگان در قدرت آن‌ها برای ارزان سازی نیروی کار کارگران و زحمتکشان با عناوین مختلف «بهره‌وری، استاد و شاگردی، مزد منطقه‌ای، خالی بودن خزانه، تورم‌سازی افزایش حقوق و ...» سعی در فریب مردم دارند و در همان حال، کفتارهای خارجی نیز برای تکه پاره کردن میهن ما سعی در «رهبرسازی» برای مردم ایران دارند و البته

### ۱۸ آذر

بنابر اعلام قبلی کانون نویسندگان ایران عده‌ای از مردم و اعضای کانون نویسندگان ایران مطابق معمول هر ساله برای ادای احترام، تجدید پیمان و بزرگداشت «محمد مختاری» و «محمد جعفر پوینده»، به گورستان امامزاده طاهر رفتند ولی با ماموران امنیتی و دوربین به دست‌ها مواجه شدند. نیروهای امنیتی از همان دقایق نخست مانع برگزاری هرگونه مراسم بر مزار «مختاری» و «پوینده» شدند و ضمن حمله به افراد با تهدید و پرخاش و ارعاب از مردم می‌خواستند که تجمع نکنند و محیط گورستان را هر چه زودتر ترک کنند. با این همه، حاضران در گورستان موفق شدند بر مزار کشتگان راه آزادی حضور یابند و مزار آن‌ها را غرق گل کنند. یادشان جاوید و راهشان پر رهرو باد!

### ۲۳ آذر

کانون نویسندگان ایران با انتشار بیانیه‌ای بر ادامه راه کانون مبنی بر دفاع از آزادی بیان تأکید کرد. در این بیانیه آمده است: «از آغاز بنیادگذاری خود در ۱۳۴۷ همواره مورد هجوم و تعقیب و آزار حکومت‌های خودکامه و استبدادی بوده است. خواست جمیل آزادی اندیشه و بیان و نشر در همه‌ی عرصه‌های حیات فردی و اجتماعی بی‌هیچ حصر و استثنا برای همگان، تأکید بر نوابستگی به قدرت و طلب بی‌تخفیف آزادی، بی‌ذره‌ای اعتنا به خطرهای مهلک آزادی‌خواهی در سرزمینی که در بیشتر تاریخ معاصر خود مزد گورکن افزون‌تر از جان آدمی بوده است، تاوان می‌خواهد، بهای سنگینی باید برای آزادی‌خواهی پرداخت؛ حتی، دریغاً، با جان خود ... کانون نویسندگان ایران همواره بر این اصل آزادی‌خواهانه پافشارده است که: زندانیان کانونی و همه‌ی زندانیان سیاسی و عقیدتی باید بی‌هیچ‌اما و اگری، بی‌هیچ قید و شرطی، بی‌درنگ آزاد شوند.»

### ۲۴ آذر

تیرماه سال ۹۹ بود که بازنشستگان در پی اعتراضات سال‌های گذشته، به شکل خودجوش جمعی در مقابل سازمان تامین اجتماعی برگزار کردند و خواستار افزایش حقوق طبق تورم، بیمه کارآمد و درمان رایگان و... گردیدند. ... روز ۱۴ فروردین ۱۴۰۰ «اسماعیل گرامی» را بازداشت کردند. و بعد از حدود سه ماه بازداشت در یک دادگاه چند دقیقه‌ای او را به ۶ سال زندان محکوم کردند که ۴ سال آن قابل اجرا می‌باشد. حال بعد از گذشت دو سال در خبرها آمده است: (اساس تعیین دستمزد کارگر، نرخ تورم است و رشد ۵ برابری تورم با افزایش ۳ برابری دستمزد همخوانی ندارد). برای بیان همین سخن و خواسته قانونی و واقعی «اسماعیل گرامی» باید ۴ سال از عمر خود را در زندان سپری کند! این کجای قانون و عدالت جا دارد. آزادی گرامی حق مسلم و قانونی ایشان است. چرا که به مانند دیگر بازنشستگان برای پیگیری خواسته قانونی و به شکل مسالمت آمیز و بر طبق اصل ۲۷ قانون اساسی در تجمعات اعتراضی بازنشستگان شرکت کرده است. ما بازنشستگان

«محمد مملی گلزاری» کارگر پروژه‌ای اهل ایذه در روز هفتم آبان‌ماه در پارک بی‌بی‌مریم این شهر توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بود. «کیانوش کردپور» نیز در جریان اعتصاب کارگران پروژه‌ای در عسلویه به‌همراه تعداد دیگری از کارگران دستگیر شده بود و حدود دو ماه در بازداشت به‌سر برد. اتحادیه آزاد کارگران ایران ضمن شادباش به «محمد مملی گلزاری»، «کیانوش کردپور» و همه دوستان و همکاران شاغل در پروژه‌های نفت و پتروشیمی، اعلام داشت که برگزاری اعتصاب و تجمع حول مسائل صنفی و سیاسی حق مسلم و خدشه‌ناپذیر کارگران است و خواستار آزادی تمامی کارگران بازداشت‌شده و لغو پرونده سازی‌های امنیتی علیه آنان شد.

### ۹ آذر

«علیرضا آدینه»، شاعر و عضو پیشین هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران بازداشت شد.

### ۱۰ آذر

چهار عضو انجمن صنفی معلمان کردستان\_دیواندره، آقایان «امید شاه‌محمدی»، «پرویز احسنی»، «کاوه محمدزاده» و «هیوا قریشی»، از سوی شعبه یک دادگاه انقلاب سنندج به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی» هر یک به ۵ سال حبس محکوم شدند. «امید شاه‌محمدی»، «پرویز احسنی»، «کاوه محمدزاده» و «هیوا قریشی» در تاریخ ۲۵ خرداد به دلیل فعالیت‌های صنفی و شرکت در تحصن صنفی معلمان توسط نیروهای امنیتی در منزل خانوادگی شان در شهر دیواندره بازداشت شده بودند.

### ۱۴ آذر

«اسکندر لطفی» و «مسعود نیکخواه» آزاد شدند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران، ضمن استقبال از آزادی آقایان «اسکندر لطفی» و «مسعود نیکخواه» و تبریک به ایشان و خانواده‌هایشان و تک‌تک جامع‌های فرهنگی ایران، آزادی بی‌قید و شرط سایر فرهنگیان بازداشتی را خواستار شد. «روزبه سوهانی» و «آیدا عمیدی» دو عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران بازداشت شدند. کانون نویسندگان ایران ضمن محکوم کردن این عمل وحشیانه در اطلاعیه‌ای اعلام داشت: «بنابر میثاقی که با منشور آزادی‌خواهی و اساسنامه‌ی خود بسته همچنان به وظیفه‌ی ذاتی خود، دفاع از آزادی بیان و قلم و اندیشه بی‌حصر و استثنا برای همگان، ادامه خواهد داد.»

### ۱۵ آذر

انجمن‌های قلم (پن) آمریکا و استرالیا با انتشار بیانیه‌ای مشترک، بازداشت سه عضو کانون نویسندگان ایران (روزبه سوهانی، آیدا عمیدی و علیرضا آدینه) را محکوم کردند و ضمن درخواست آزادی آن‌ها و دیگر هنرمندان دربند، با ابراز نگرانی شدید در مورد سلامتی ایشان اعلام داشتند: «بازداشت خشونت‌آمیز و هدفمند اعضای هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران به منظور ایجاد رعب و وحشت و ساکت کردن یکی از صداهای پیشرو و مستقل جامعه مدنی در ایران است»



خواهان آزادی بی قید و شرط ایشان هستیم»

جمعی از اعضای هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران، علی صبوری، قارن سوادکوهی، اکبر معصوم‌بیگی، منیژه نجم عراقی به دیدار خانواده‌ی علی اسداللهی، شاعر و منشی منتخب و عضو زندانی کانون نویسندگان ایران رفتند. کانون نویسندگان ایران با انتشار اطلاعیه‌ی اعلام داشت: «بر این اصل برحق پای می‌فشارد که یاران کانون و همه‌ی زندانیان سیاسی و عقیدتی باید بی‌هیچ قید و شرطی و بی‌درنگ آزاد گردند.»

#### آذر ۲۴

«حمید رحمتی» پس از ۷۴ روز بازداشت و در ششمین روز اعتصاب غذای خشک خود، به قید وثیقه از زندان دستگرد اصفهان آزاد شد. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران با انتشار اطلاعیه‌ای ضمن تبریک آزادی ایشان، خواهان پایان دادن به پرونده‌سازی‌های امنیتی برای معلمان و کاشگران صنفی و مدنی و آزادی همه‌ی زندانیان صنفی و عقیدتی و سیاسی و معترضان ماه‌های اخیر شد.

#### نفت، گاز، پتروشیمی و نیروگاه‌ها

#### آذر ۱

کارگران پالایشگاه یازدهم (فاز ۱۳) در سایت دو مجتمع گاز پارس جنوبی در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.

کارگران پتروشیمی مسجدسلیمان نیز در اعتراض به عدم طبقه‌بندی مشاغل و مشکلات معیشتی، دست به اعتصاب زدند. ۵/۶۶ درصد سهام این شرکت متعلق به صندوق بازنشستگی کشوری از زیرمجموعه‌های وزارت کار، رفاه و تعاون است که این روزها صندوق بازنشستگی در برزخ سوءمدیریت گرفتار شده است.

#### آذر ۱۴

جمعی از کارگران شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی بندرماهشهر برای دومین روز نسبت به اجرا نشدن طرح طبقه‌بندی مشاغل و تبعیض در پرداخت حقوق بین کارگران این واحد با سایر کارگران پتروشیمی منطقه، مقابل ساختمان شرکت دست به تجمع اعتراضی زدند.

#### آذر ۱۵

چهارصد کارگر شرکت‌های پیمانکاری پترو پای سازان و پارسیان سازه فن آوران به پیمانکاری آقایان جهانی و کیوانی در عسلویه برای دومین روز در مقابل دفتر مدیریت دست به اعتصاب زدند. این کارگران خواهان پرداخت دستمزدهای عقب افتاده مهر و آبان بوده و ارسال لیست بیمه ماه‌های گذشته خود شدند. این کارگران خواستار اجرای قوانین ۱۰/۲۰ می‌باشند.

#### آذر ۲۶

کارگران و کارکنان رسمی شاغل در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی، مطابق فراخوان از پیش اعلام شده، در اعتراض به

عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان در «عسلویه، اهواز، ماهشهر، محمودآباد، گچساران، خارک، تنگ بیجار و گناباد»، دست به تجمع زدند. کارکنان رسمی صنعت نفت خواستار اجرای ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، حذف مالیات زیاد، حذف سقف حقوقی، افزایش حقوق، پرداخت پاداش بازنشستگی و ... هستند.

#### بازنشستگان

#### آذر ۲

جمعی از کارکنان صندوق بازنشستگی کشوری در اعتراض به وضعیت حقوق و دستمزد خود مقابل ساختمان صندوق در میدان فاطمی تجمع کردند. به گفته یکی از معترضان، به دنبال ترمیم حقوقی که آبان ماه سال جاری برای کارکنان دولت اتفاق افتاده، حدود ۹۰۰ تا یک میلیون تومان باید به حقوق هر یک از کارکنان صندوق بازنشستگی کشوری افزوده می‌شد و قرار بود پایان این ماه اعمال شود اما پس از دریافت حقوق، مشخص شد مدیریت صندوق همانند یک سال اخیر با تغییر محاسبه حقوق و با کاهش مزایای حقوقی از جمله حق اضافه کاری و بهره‌وری و چند آیت دیگر عملاً بجای افزایش حقوق پرسنل، حقوق‌ها را کاهش داده است. ضمن اینکه حقوق کارکنان شرکتی (کانونی سابق) را هم هنوز پرداخت نکرده‌اند.

#### آذر ۶

جمعی از بازنشستگان صندوق آینده‌ساز برای دومین روز مقابل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تجمع کرده و خواستار رسیدگی به افزایش قانونی مستمری‌های خود شدند. بازنشستگان این صندوق در مشمولیت قانون کار خواستار افزایش قانونی مستمری سالیانه خود مطابق مصوبه قانونی شورای عالی کار هستند.

#### آذر ۲۰

جمعی از بازنشستگان تامین اجتماعی با مراجعه به سازمان تامین اجتماعی و فرمانداری شوش با رئیس سازمان تامین اجتماعی و فرماندار شوش دیدار و مراتب نارضایتی خود را بابت اجرا نشدن کامل متناسب سازی سال ۹۹ و سال ۱۴۰۰ و اقدام دولت جهت واگذاری سهام بانک رفاه کارگران و موضوع لغو انتخابات کانون بازنشستگان را به اطلاع آنها رسانده و اعلام کردند در صورتی که به این خواسته‌های برحق و قانونی آنها توجه نشود بازنشستگان قصد دارند تجمع اعتراضی در این خصوص برگزار کنند. رئیس تامین اجتماعی شوش قول دادند که موضوع متناسب سازی را به مسئولین مافوق منعکس و فرماندار نیز موضوع انتخابات و بحث عدم رضایت بازنشستگان در مورد واگذاری بانک رفاه را به مقامات مافوق اطلاع دهند.

#### کارگران دیگر

#### آذر ۱

کارگران کارخانه بهمن موتور، زیرمجموعه هلدینگ گروه صنعتی بهمن، در اعتراض به وخیم‌تر شدن وضع معیشتی و عدم رسیدگی به مشکلاتشان دست به اعتصاب زده و در محوطه

شرکت تجمع اعتراضی برپا کردند. «کارشناس دلاری، کارگر ریالی»

## ۲ آذر

کارگران شرکت بهمن دیزل، زیرمجموعه هلدینگ گروه صنعتی بهمن، واقع در الوند قزوین نسبت به وضعیت نامناسب معیشتی و سطح پائین دستمزد و همچنین در اعتراض به عدم رسیدگی به دیگر مطالبات و مشکلاتشان دست از کار کشیده و در محوطه کارخانه تجمع کردند.

کارکنان آتش‌نشانی مشهد در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان و وضعیت نامناسب معیشتی و سطح پائین حقوق مقابل ساختمان استانداری خراسان رضوی دست به تجمع زدند.

## ۳ آذر

کارکنان و کارگران شرکت خودروسازی نیرو محرکه، واقع در شهرک صنعتی البرز قزوین، در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلات خود دست به اعتصاب و تجمع زدند.

کارگران شرکت کروز برای بار دوم دست به اعتصاب و اعتراض زده و خواهان تغییرات اساسی در شرایط کاری و قراردادی برده‌وار خود شدند. حضور منسجم و آگاهانه‌ی کارگران زن در اعتصاب چشمگیر بود. زنان کارگر این شرکت جدا از تحمل شیفت‌های کاری سخت، حقوق‌های معوقه، نازل بودن سهم دستمزد، با بندهایی چون «تعهد به عدم ازدواج و فرزندآوری و رعایت حجاب و پوشش اجباری» مورد تحقیر و آزار قرار می‌گیرند.

## ۵ آذر

کارگران شرکت ذوب‌آهن اصفهان شاغل در شیفت صبح تمامی بخش‌ها در اعتراض به عدم تحقق وعده‌های مسئولین مجدداً دست به اعتصاب زده و در محوطه شرکت تجمع کرده و خواستار افزایش دستمزد و تحقق دیگر مطالباتشان شدند. کارگران ذوب‌آهن اصفهان روزهای ۲۴ و ۲۵ آبان‌ماه نیز دست به اعتصاب گسترده‌ای زده بودند که مدیریت شرکت و نماینده وزارت کار با حضور در میان کارگران وعده تحقق خواسته‌ی آنان ظرف روزهای آینده را اعلام کرده بود. همان زمان کارگران اعلام کرده بودند چنانچه تا روز پنجم آذرماه خواسته کارگران اجرا نشود مجدداً دست به اعتراض خواهند زد. کارگران جوشکار مجتمع فولاد بافق (فولاد ابویی) در اعتراض به عدم رعایت موارد ایمنی که منجر به انفجار و کشته شدن ۲ نفر از همکارانشان در روز جمعه ۴ آذرماه شد دست به اعتصاب زدند. کارگران این شرکت همیشه معترض بوده‌اند که هیچ مجوزی برای کار در جاهای خطرناک و ریسک پذیر نباید صادر شود و در عین حال آن‌ها را وادار به کار در نقاط خطرناک می‌کنند. کارگران شرکت سرماآفرین واقع در شهرک صنعتی البرز، در اعتراض به سطح نازل دستمزدها اعتصاب کرده و در محوطه کارخانه دست به تجمع زدند.

کارگران کارخانه لوازم خانگی پارس در شهر صنعتی البرز واقع در الوند در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان دست

به اعتصاب زدند.

## ۶ آذر

کامیونداران در اصفهان، کرمانشاه، بندرعباس مرند، سنندج، کاشان، سقز و قزوین برای دومین روز در اعتراض به پایین بودن بیش از حد نرخ کرایه‌ها، هزینه‌های سنگین استهلاک کامیون‌ها، لاستیک و قطعات یدکی، سهمیه سوخت ناچیز و هزینه سنگین سوخت آزاد دست به اعتصاب زدند.

## ۷ آذر

کارگران شرکت صنعتی تولیدی مرتب خودرو در اعتراض به عدم پرداخت ۹ ماه حقوق معوقه برای سومین روز متوالی دست به اعتصاب زده و مقابل شرکت تجمع کردند.

## ۸ آذر

اعتصاب ۴۰۰۰ هزار تن از کارگران ذوب آهن اصفهان که از روز شنبه ۵ آذرماه در اعتراض به پایین بودن دستمزدها و انجام نشدن وعده‌های مدیران ذوب آهن اصفهان آغاز شده بود، ادامه یافت. پرستاران بیمارستان امام خمینی تهران در اعتراض به عدم افزایش حقوق‌ها و بی‌توجهی به مشکلاتشان دست به تجمع زدند. کارگران شرکت گندله‌سازی مادکوش بندرعباس برای بدست آوردن خواسته‌های خود دست به اعتصاب و تجمع اعتراضی زدند.

## ۹ آذر

کارگران شرکت نوین صنعت رجا، وابسته به راه آهن در اعتراض به سختی کار، اجحاف و تبعیض اعتصاب کرده و در محوطه شرکت دست به تجمع زدند. پرستاران دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در اعتراض به وضعیت معیشتی خود دست به تجمع اعتراضی زدند. مطالبات پرستاران اضافه دستمزد و بهبود شرایط کاری می‌باشد. «این همه سال خیانت / ننگ بر این وزارت»

## ۱۰ آذر

گروهی از پرستاران مراکز درمانی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در اعتراض به تفاوت فاحش حقوق کادر درمان، تکه تکه کردن پرستاران با قراردادهای مختلف، بهره‌کشی از پرستاران موقت و کمبود پرستار، در محوطه دانشگاه تجمع کردند و خواستار پاسخگویی مسئولان شدند. آن‌ها خواستار اجرای قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری شدند. وزارت بهداشت پس از سال‌ها اعتراض و اعتصاب پرستاران، به جای اجرای تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری مبلغی را به عنوان علی‌الحساب به حساب پرستاران واریز کرد. این اقدام با اعتراض شدید پرستاران روبرو شد. از جمله پرستاران بیمارستان خمینی تهران اعتصاب کردند و با تجمع در محوطه بیمارستان، شعارهایی علیه بی‌اعتبار بودن وعده‌های مسئولان



## در همبستگی با کارگران ایران

تجمع اعتراضی اعضای سندیکای کارگران حمل و نقل ترکیه TÜMTİS در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در استانبول در حمایت از رضا شهابی، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران، که به دلیل فعالیت‌های کارگری خود زندانی است، و در همبستگی با اعضای زندانی سندیکا، و کارگران و مردم ایران.

درود برهم‌قطاران ما در سندیکای کارگران حمل و نقل ترکیه. صمیمانه قدردان حمایت و همبستگی این عزیزان هستیم.

**کارگر زندانی آزاد باید گردد!**

**زندانی سیاسی آزاد باید گردد!**

**زنده باد همبستگی کارگران در ایران، در منطقه و در سراسر جهان!**

**چاره کارگران اتحاد و تشکل است!**

اول دی ۱۴۰۱

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه\*

وزارت بهداشت سردادند و خواهان رسیدگی فوری به وضعیت خود شدند.

### ۱۴ آذر

تعدادی از کارگران واحد حراست پروژه ساخت متروی اهواز در اعتراض به عدم پرداخت ۱۸ ماه حقوق معوقه و دو سال عیدی به استانداری خوزستان مراجعه کردند. این کارگران در تشریح دلیل اعتراض خود گفتند: حدود یک ماه است برای وصول مطالبات معوقه مزدی خود مقابل کارگاه اعتراض می‌کنیم اما مسئولان هنوز پاسخی به ما نداده‌اند.

### ۱۹ آذر

بیش از ۱۰۰ کارگر کارخانه داروگر تهران در اعتراض به بی‌توجهی مسئولان دولتی و مدیران کارخانه در خصوص وضعیت محل کارشان و عدم پرداخت ۵ ماه از حقوق و بیمه معوقه «با احتساب ماه آذر»، در مقابل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تجمع کردند. در تجمعی که کارگران مقابل وزارت کار که در تاریخ هشتم تیر ماه سال جاری انجام دادند، وعده بهبود وضعیت کارخانه و پرداخت معوقات کارگران داده شد که عملی نشد و در آخرین تجمع کارگران که روز ۱۵ آذر ماه نیز در مقابل کارخانه انجام شد، برخی مسئولان وعده پیگیری دادند که آنهم به جایی نرسید. در نهایت این تجمع کارگران نیز با وعده پیگیری مسئولان این وزارتخانه خاتمه یافت.

### ۲۷ آذر

در حاشیه جلسه شورای شهر تبریز، جمعی از آتش نشانان تبریزی در اعتراض به وضعیت معیشتی و ترمیم حقوق با توجه به سختی و خطرات شغلشان، مقابل ساختمان شورا دست به تجمع صنفی زدند. این تجمع کاملاً آرام با هدف مطالبات صنفی بود. سختی کار، پایین بودن حقوق، کمبود نیروی انسانی، تبعیض و سوء مدیریت از جمله مسایلی بود که آتش نشانان نسبت به آنها اعتراض دارند.

در آذر ماه کارگران و زحمتکشان شاغل و بازنشسته علاوه بر رودرویی با دشمنان عیان داخلی و خارجی، با تشکلات نا آگاه و در مواردی نیز منحرف و بودار دست و پنجه نرم کردند. اگر چه مبارزه را تعطیل نکردند و تعطیل نخواهند کرد ولی با فراخوان‌هایی برای اعتصاب و راهپیمایی روبرو شدند که یا به نام تشکل‌هایی خلق‌الساعه و مشکوک صادر شده بود و یا اساساً چنین حرکتی موافق با مبارزات مردمی نبود.

در این فراخوان‌ها که با اجبار و دروغ همراه بود زحمتکشان را به اعتصاب و راهپیمایی سراسری که گویا به انقلاب منجر خواهد گشت، دعوت می‌کردند که با بی‌اعتنایی مردم مبارز و آگاه برخورد کردند. ولی کارگران و زحمتکشان تحت رهبری عناصر آگاه و مشکل طبقه خود، به مبارزه برای رسیدن به سوسیالیسم در مبارزه بی‌امانی علیه تمامی دشمنان انسانیت ادامه خواهند داد.

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!\*



## به مناسبت پنجاه و دومین سالگرد اولین توفانی شهید، رفیق نصرالله جعفرنژاد

رفیق «شهید نصرالله جعفرنژاد» از اولین رفقای توفان شاخه‌ی بجنورد بود که به اتفاق سایر هم‌زمانش در راه رهائی خلق‌های ایران از قید و بند امپریالیسم و رژیم دست‌نشانده‌ی پهلوی، مبارزه می‌کردند. این رفقا در سال ۱۳۴۹ مورد شناسائی و پیگرد شدید رژیم فاشیستی شاه و ساواک قرار می‌گیرند که متعاقب آن قریب به ۶۰ نفر از رفقای ما طی چند تهاجم به تهران، خراسان و اصفهان توسط دژخیمان پهلوی دستگیر می‌شوند. «رفیق جعفرنژاد»، که از اعضای فعال شاخه بجنورد بود و در بین دهقانان زحمتکش بجنورد و در پوشش آموزگاری به فعالیت انقلابی مشغول بود، بالطبع نمی‌توانست مورد کینه و نفرت آدمکشان رژیم پهلوی نباشد و از این جهت تحت وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها قرار نگذرد. و وقتی که ساواک مشهد در مقابل اراده پولادین رفیق، که از آرمان خلق و از اندیشه‌ی انقلابی مارکسیسم - لنینیسم نشأت می‌گرفت، نتوانست کاری از پیش برد، او را به تهران انتقال داده و به دژخیمان اوین می‌سپارند. «رفیق جعفرنژاد» مدت‌های مدید تحت بدترین شکنجه‌های جلادان اوین قرار می‌گیرد، اما اسرار خلق را در سینه محفوظ می‌نماید و لب از لب باز نمی‌کند. او ذلت تسلیم بر دژخیمان را به مرگ پر افتخار و غرور آفرین در راه خلق‌های ایران و در راه طبقه کارگر ترجیح می‌دهد و عاقبت پس از شکنجه‌های طولانی در ۱۳ دی ۱۳۴۹ در زیر این شکنجه‌های وحشیانه به شهادت می‌رسد و با خون خویش نهال احیای حزب طبقه کارگر ایران، حزب کار ایران را آبیاری می‌کند.

رژیم شاه از بیم خشم مردم هیچ گاه از این جنایت رذیلاانه نامی نبرد و حتی پیکر تکه پاره شده وی را نیز به خانواده‌هاش تسلیم نکرد. ما رهروان راه پرافتخار این رفیق ارزنده خاطره تابناک او را هیچگاه فراموش نکرده و نام و راهش را با فعالیت مستمر در سازمانی که او بدان عشق می‌ورزید و در آرزوی احیاء آن بود، جاودانه زنده خواهیم داشت.

یاد «رفیق نصرالله جعفر نژاد»، اولین توفانی شهید گرامی و راهش پر رهرو باد!\*

**زنده باد مارکسیسم - لنینیسم!**

برگرفته از کتاب مرغان پر کشیده توفان.

یاد نامه ای از شهدای توفان . چاپ دوم اردیبهشت ۱۳۹۳ ([http://](http://toufan.org/Janbakhtegan/Janbakhtegan%20)  
[toufan.org/Janbakhtegan/Janbakhtegan%20](http://toufan.org/Janbakhtegan/Janbakhtegan%20)

([Toufan%20160613.pdf](http://Toufan%20160613.pdf))

## «حجته الاسلام

## والمسلمین» محسن قرائتی چه می‌گوید؟

«محسن قرائتی»، متولد ۱۳۲۴ در کاشان، طی سخنانی گفت: «اینکه در اغتشاشات اخیر شاهد حضور برخی از نوجوانان بودیم، یعنی نسلی که توسط معلمان جمهوری اسلامی تربیت شدند و این نشان می‌دهد که برخی از معلمان ما در تربیت صحیح دانش آموزان موفق نبوده‌اند!» و در ادامه اضافه فرمودند: «معلمان باید بچه‌ها را نمازخوان تربیت کنند و بدانند که دیپلم و لیسانس تارک الصلوه به هیچ درد نمی‌خورد!»

در زبان فارسی ضرب‌المثلی داریم که می‌گوید: «عروس شل بود، می‌گفت زمین کچه!» همین ضرب‌المثل شش کلمه‌ای در پاسخ به پرت و پلاهای قرائتی و هفت جدش، کافی است ولی برای خالی نبودن عریضه بد نیست گفته شود که ایشان در سال ۱۳۶۱، با حکم روح‌الخمینی به «نمایندگی ولی فقیه» در سازمان نهضت سوادآموزی منصوب شد و به مدت ۲۸ سال، یعنی تا سال ۱۳۹۸ ریاست این سازمان را بر عهده داشت. وی در حال حاضر در اداره ستاداقامه نماز مشغول و در زمینه تفسیر قرآن در صدا و سیما فعالیت دارد! «محسن قرائتی» علاوه بر تفسیر قرآن در تلویزیون، چندین مسئولیت دیگر از جمله «تاسیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر، تاسیس ستاد اقامه نماز، تاسیس ستاد زکات، تاسیس ستاد تفسیر، تاسیس ستاد ترویج و فرهنگ قرآنی، تاسیس بنیاد فرهنگی امام زمان، تاسیس مرکز فرهنگی درسهای قرآنی» را هم در جمهوری اسلامی برعهده داشته و یا همچنان دارد!

جالب است بدانیم که در حال حاضر ۲۰ شبکه تلویزیونی، ۱۰۰ شبکه رادیویی، ۱۰۰ روزنامه و نشریه و به گفته رئیس سازمان بسیج مداحان، حدود ۱۰۰ هزار نفر مداح مرد و زن، باضافه ماه مبارک رمضان و ماه محرم الحرام و بعدش صفر و انواع و اقسام دیگر مجالس و محافل اسلامی و قرآنی و زینبی و فاطمی و ایام شهادت، در طی سالیان دراز برای اسلامی کردن نسل بعد از انقلاب تلاش کردند و می‌کنند و بعد از ۴۳ سال بگری و بنید، جریمه و شلاق، دست و پا بردن، سنگسار کردن و زندانی کردن هزاران نفر، متوجه شدند که ای بابا! این معلمان پس از انقلاب بودند که بچه‌های بعد از انقلاب را خوب تربیت نکردند و نمازخوان بار نیاوردند!!!!

زمانی «مهدی بازرگان» گفته بود که با این روش شما در ترویج اسلام، باید آیه قرآنی «یدخلون فی دین الله افواجا» را تغییردادوگفت «یخرجون فی دین الله افواجا» و چنین هم شد!! مالاها عین گریه مرتضی علی‌اند. از هر طرف پرتشان کنی، در ظاهر با چهار دست و پا، ولی در باطن با سربه زمین خواهند خورد!!

«عروس شل بود، میگفت زمین کچه»

## باز هم در باره شعار "زن، زندگی، آزادی"

آیا کشوری، دولتمردی، دولت‌زنی و بطور کلی سیاستمداری، حزبی، سازمانی و گروه‌های سیاسی، اعم از راست، میانه، «جمهوریخواه»، «دموکرات» و ترسکیست و فاشیست را در دنیا می‌شناسید که مخالف شعار «زن، زندگی، آزادی» بوده و یا حداقل از آن سواستفاده نکرده باشند؟!

همه قدرتمندان اروپایی و آمریکایی، همه جنگ افروزان بین‌المللی، همه طرفداران نظام سرمایه‌داری، همه «مخالفان» داخل و خارج نشین جمهوری اسلامی نه تنها مشکلی با این شعار ندارند بلکه این شعار و خیزش برحق زنان و جوانان پرشور و بی‌باک ایران علیه نظام فاسد و آدمکش اسلامی، وسیله و بهانه‌ای بدست سازمانها و احزاب و گروه‌های راست و «چپ» و وابسته به غرب داد تا گردهم آیند و کاسه‌گدایی را در کاخ سفید و کاخ الیزه، پارلمانهای آلمان و بلژیک و ایتالیا و کانادا و غیره و محافل و نهادهای به اصطلاح حقوق بشری و «حامی زنان» بچرخانند بلکه، شاید و احتمال به لطف «کمک» دولت‌های غربی که مخالف سیاستهای خارجی رژیم در خاورمیانه و اوکراین هستند و سرسوزنی ناراحت‌کننده مردم ایران در تمام سالهای حاکمیت مالاها نبودند، دمار از روزگار جمهوری سرمایه‌داری اسلامی حاکم در آورند و بعد از اینکه تمام سران رژیم را به تیرهای چراغ برق آویزان کردند و بسیجی‌ها را سلاخی نمودند، رژیمی سرتاپا مطیع و گوش به فرمان غرب متجاوز و غارتگر بر سر کار آورند و روسیه و چین و کره شمالی و ونزوئلا و سوریه و حزب‌الله لبنان و مبارزان یمنی را هم از صحنه سیاسی ایران خارج کرده و ایران را دودستی تقدیم آمریکا نمایند!

این جماعت اوهامی با مغزهای کوچک زنگ زده شان گمان دارند که با هوچیگری و خبرهای جعلی در رسانه‌های ماهواره‌ای بی‌بی‌سی، عربستان اینترناشنال، صدای آمریکا و منوتو و دیگر کانالها و رسانه‌ها و فضاهای مجازی ضد ایران و ایرانی داخل و خارج، می‌توانند رژیم اسلامی سرکوبگر با حداقل پنج نیروی تا دندان مسلح و سازمان یافته سپاه پاسداران و بسیج و نیروی انتظامی و لباس شخصی و نیروی چند صد هزار نفره ارتش و پانزده سازمان اطلاعاتی موسوم به سربازان گمنام «امام زمان»

را بدون سازماندهی، بدون تشکیلات، بدون رهبریت و بدون داشتن تئوری انقلابی و بدون مشارکت میلیونی مردم و بدون اعتصابات عظیم کارگری و کارمندی، آنهم با کمک «بایدن» و «مکرون» و انگلیس و کانادا و فاشیست‌های حزب سبز آلمان و غیره که اکثرشان رشوه بگیر و نوکر و اسیر پول‌اند و عجالتا با بحراناها و مشکلات عظیم داخلی مواجه‌اند، سرنگون سازند! چه خیال خامی! حال بیاییم به طرف دیگر قضیه اشاره کوتاهی بکنیم.

اگر زنان و جوانان و ملت مبارز ما در مصاف با رژیم تبهکار اسلامی ایران بجای شعار «زن، زندگی، آزادی»، متشکل و متحد وار در خیابانها می‌شدند و علیه سیاست خصوصی‌سازی، علیه گرانی و تورم، علیه تحریم‌ها و مداخلات بیگانگان شعار می‌دادند و خواستار آزادی همه زندانیان سیاسی می‌شدند آیا جایی برای عرض اندام بایدن، مکرون، شولتس، دولتمردان انگلیسی، پمپئو و لکاته‌های «سیاسی» نظیر معصومه علی‌نژاد، سیما ثابت، معصومه میرصادقی، فرناز معصومی، فرداد فرحزاد، پوریا زراعتی، محسن سازگارا، شهریار آهی، مجید محمدی، حسن داعی، فرناز قاضی‌زاده و غیره می‌ماند؟!

آیا این غلامان مزد بگیر و حلقه بگوشان آمریکا، اتحادیه اروپا، اسرائیل و عربستان جرات مخالفت با اقتصاد نئولیبرالیستی، همان اقتصاد خصوصی‌سازی ایران برباد ده سرمایه‌داران مستقر در اتاق بازرگانی رژیم اسلامی و یا علیه مداخلات و تحریمهای غرب در ایران و جهان را داشتند؟! آیا این جماعت لکاته که خود را پشت خیانت و جنایت‌های جمهوری سرمایه‌داری اسلامی ایران قایم کرده‌اند و برای کشته شدگان اعتراضات اخیر اشک تمساح می‌ریزند دلشان برای ایران و تمامیت ارضی و استقلال آن می‌تپد؟!

مردم مبارز و انقلابی و میهن‌دوست ایران همواره از ایران از حق حاکمیت ایران از استقلال ایران از تمامیت ارضی ایران و از همه خلقهای ایران دفاع خواهند کرد و در این راه با رژیم اسلامی حاکم و یا هر دشمن داخلی و خارجی مبارزه کرده و به بیگانگان و بیگانه پرستان باج نخواهند داد و اگر روزی زورشان برسد ذره‌ای در سرنگونی رژیم دزد و فاسد حاکم کوتاهی نخواهند کرد!!

دخالت و رسالت اجنبی و اجنبی پرستان خارج نشین مانع بزرگی در پیکار مردم ایران برای آزادی و عدالت اجتماعی و رهایی از ظلم و بیداد است. باید ماهیت و مقصود آنان را بیرحمانه افشا کرد!!\*



## آیا رژیم گشت ارشاد را منحل کرد یا این یک تاکتیک سیاسی است؟

مقاله‌ای از فعالین حزب کار ایران (توفان) در اسکاندیناوی در مورد اوضاع ایران که ترجمه فارسی آن از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد. این مقاله تا این تاریخ در چند روزنامه سوئد از جمله «لین کوپینگ پستن سوئد» منتشر گردید.

«پیش از سه ماه است که ایران توسط اعتراضات مردم به لرزه در آمده است. هزاران نفر، عمدتاً جوانان، پس از قتل مهسا امینی ۲۲ ساله توسط پلیس بدنام گشت ارشاد، به خیابان‌ها ریختند و دست به تظاهرات زدند. در ابتدای تظاهرات، معترضان خواسته‌های روشنی مبنی بر انحلال «گشت ارشاد» و لغو حجاب اجباری را طرح نمودند، اما به دلیل بی توجهی رژیم به این مطالبات و اقدامات، اعتراضات مردم به سرعت رادیکالیزه شده و شعار سرنگونی رژیم در دستور کار جوانان قرار گرفت. طرح شعار سرنگونی و به مصاف طلپیدن رژیم در چنین شرایطی یک اشتباه و اقدام سیاسی عجولانه‌ای بود. سیاست اشتباه بود، زیرا فقدان رهبری، عدم وجود تشکیلات منسجم و توازن قوای سیاسی به نفع رژیم جمهوری اسلامی بود. این درگیری‌های خشونت‌بار و زودرس موجب شد که میلیون‌ها نفر از مردم عادی جرئت به خیابان آمدن و ابراز همبستگی با مردم را نداشته باشند. این شورش بود فاقد چشم‌انداز روشن و بدیل سیاسی برای تغییر احتمالی رژیم. طبق روزنامه‌های رسمی ایران تا کنون حدود ۳۰۰ نفر از مردم و از جمله پلیس و غیره جانباخته‌اند. هزاران نفر نیز دستگیر شده‌اند و مقامات ایرانی تأیید کردند که سه مرد به اتهام «عبور از خط قرمز نظام»، اختلال در نظم کشور و کشتن و مجروح کردن عده‌ای محکوم به اعدام شدند.»

«انقلابی» در جریان نیست

در چندین رسانه غربی ادعا شده است که آنچه اکنون در ایران می‌گذرد «انقلابی» است که می‌تواند منجر به سقوط رژیم شود! اما در این مورد باید منطقی و مسئولانه اظهار نظر کرد و از غلوگویی پرهیز نمود. به عنوان مثال در این مورد، فابنشال تایمز هفته پیش اعلام کرد بنظر نمی‌رسد تا کنون کارگران یا میلیون‌ها کارگر یقه سفید و مردم عادی به اعتراضات پیوسته‌اند. این روزنامه در ادامه می‌نویسد که بسیاری از ایرانیان نگران این هستند که این کشور به سوریه یا افغانستان جدید تبدیل شود. حتی اندیشکده ناتو شورای آتلانتیک نسبت به اغراق در اهمیت اعتراضات هشدار می‌دهد. در مقاله‌ای از اواخر سپتامبر، آنها استدلال می‌کنند که اپوزیسیون در ایران یا بسیار ضعیف، چند پاره، بی‌اهمیت است یا توسط اکثر مردم ایران طرد شده و مورد حمایت آنها نیست و این اپوزیسیون تا کنون یک آلترناتیو سیاسی واقعی را ارائه نداده است.

متأسفانه جنبش اعتراضی ایران که بدون رهبری و در شرایط پراکنده‌گی پا به میدان گذاشت توسط رسانه‌های خارجی و نیروهای افراطی ربهوده شده است. اگر تظاهرات به همین منوال ادامه یابد و خشونت و ترور گسترش یابد، کشور در معرض خطر جنگ داخلی و مداخله دولت‌های خارجی قرار می‌گیرد، چیزی که حداقل در تجارب بهار عربی گواهی است بر تحلیل ما. سناریوی لیبی در ایران یک کابوس خواهد بود، نه فقط برای ایرانیان، بلکه برای کل منطقه. تحریم‌های مرگبار آمریکا و تهدیدات نظامی مستمر علیه ایران، اوضاع را برای مردم بدتر می‌کند و باعث تشویش بیشتر و تعرض بیشتر رژیم به مردم می‌شود.

### آیا «گشت ارشاد» منحل شده است؟

در هفته گذشته اخباری مبنی بر بازنگری قانون حجاب اجباری و انحلال «گشت ارشاد» منتشر شد. به گزارش چند رسانه بین‌المللی، گفته می‌شود که از محمدجعفر منتظری، دادستان کل ایران، در رسانه‌های داخلی پرسیده شده است که چرا «گشت ارشاد» دیگر در خیابان‌ها دیده نمی‌شود. وی پاسخ داد که «آنها را تعطیل کرده‌اند». در همان زمان وی اعلام کرده است که «قانون حجاب نیز قرار است بازنگری شود». این سخن فقط یک تاکتیک سیاسی نیست، بلکه یک پیروزی برای جوانان معترض در خیابان‌ها و میادین است. این یک واقعیت است که پس از این همه تظاهرات خشونت‌آمیز که کل کشور را به لرزه در آورده است، رژیم دیگر نمی‌تواند به همان شیوه‌ای که تا کنون انجام داده به حکومت کردن ادامه دهد و به همین دلیل مجبور به عقب نشینی‌هایی خواهد شد. این یک پیروزی مشخص و موفقیت ملموس برای مردم ایران است. مبارزه ادامه دارد و هر مبارزه فراز و نشیب‌های زیادی دارد. اما در نهایت، مردم سازمان یافته رژیم استبدادی را شکست خواهند داد. تاریخ این را ثابت کرده و باز هم ثابت خواهد کرد\*»



## رده افسانه در باره اسرائیل

مقاله‌ای از پوتاینا رافا عضو سازمان حقوق بشر حقوق دانان نروژ

افسانه اول: فلسطین سرزمینی بدون مردم بود

افسانه دوم: یهودیان مردمی بدون کشور بودند

افسانه سوم: صهیونیسم یهودیت است

افسانه چهارم: صهیونیسم یک جنبش استعماری نیست

افسانه پنجم: فلسطینی‌ها داوطلبانه وطن خود را ترک کردند

افسانه ششم: جنگ ۱۹۶۷ به «اسرائیل» تحمیل شد

افسانه هفتم: اسرائیل تنها کشور دموکراتیک در خاورمیانه است

افسانه هشتم: پیمان اسلو

افسانه نهم: فاجعه غزه توسط حماس رخ داد.

افسانه دهم: راه حل دو دولتی تنها راه صلح است.

اولین افسانه ادعا می‌کند که فلسطین زمینی بایر، خالی و نیمه بیابانی بود که توسط صهیونیست‌ها زراعت و احیا شده بود، اما Pappé در استدلال‌های متقابل خود نشان می‌دهد که چگونه جامعه فلسطین قبل از ظهور صهیونیست‌ها شکوفا شده بود و به عنوان مناطق شهری، با شهرها مدرن شده بود. جمعیت‌ها

افسانه «سرزمین خالی» برای جنبش صهیونیستی از زمان پیدایش آن مهم بوده است، زیرا حتی در بریتانیای کبیر، جایی که جنبش صهیونیستی بیشترین حمایت را داشت، همیشه افرادی در مورد ساکنان اصلی آن سرزمین می‌پرسیدند. این افسانه زمانی اهمیت بیشتری پیدا کرد که جامعه بین‌الملل شروع به سنجیدن استدلال‌های هر دو طرف در دوران قیمومیت بریتانیا

بر فلسطین کرد. اگر زمین خالی نبود یعنی ادعای فلسطینی‌ها مبنی بر استعمار بودن صهیونیسم ادعای درستی است و از این رو سعی شد این افسانه ارائه و ترویج شود.

نویسنده استدلال می‌کند که فضای ژئوپلیتیکی که امروزه به نام فلسطین (یا اسرائیل اشغالگر آن) شناخته می‌شود، از زمان رومیان به رسمیت شناخته شده است و می‌افزاید که تاریخ فلسطین از قرن هفتم به بعد ارتباط تنگاتنگی با جهان عرب و اسلام دارد.

اگر به سوابق عثمانی سرشماری فلسطین در سال ۱۸۷۸ برگردیم، یهودیان تنها ۳ درصد از جمعیت حدود نیم میلیون نفری را تشکیل می‌دادند که ۸۷ درصد آنها مسلمان و ۱۰ درصد مسیحی بودند.

فلسطین یک کشور روستایی بود که در آستانه ورود به قرن بیستم به عنوان یک جامعه مدرن بود و استعمار سرزمین آن توسط جنبش صهیونیستی این روند را برای اکثریت مردم بومی که در آنجا زندگی می‌کردند به فاجعه تبدیل کرد.

اکنون شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد قبل از ورود صهیونیسم، فلسطین جامعه‌ای پرجنب‌وجوش را تجربه می‌کرد که سطوح قابل توجهی از مدرنیزاسیون را می‌شناخت و بخشی از جهان عرب بود که به تازگی از سلطه عثمانی رها شده بود و طمع امپراتوری اروپا را به چالش می‌کشید.

«ده افسانه در باره اسرائیل» نوشته ایلان پاپ یک مورخ اسرائیلی است که به جریان مورخان جدیدی تعلق دارد که در باره تاریخ اسرائیل و تاریخ صهیونیسم نوشته‌اند.\*



## بیانیه کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست-لنینیست در محکومیت کودتای پرو

کودتای ۸ دسامبر در پرو فصل جدیدی از بحران جدی سیاسی است که ماه‌ها کشور را تکان داده است. به محض اینکه «پدرو کاستیو» ریاست جمهوری را به دست گرفت، امپریالیسم و بورژوازی بزرگ پرو علیه این دولت که از حمایت گسترده مردمی برای پیشنهاد های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود برخوردار بود، که همزمان با آرزوهای مردم برای تغییر بود، توطئه کردند. با این حال، زمانی که «کاستیو» برنامه انتخاباتی خود، به ویژه پیشنهاد تشکیل مجلس مؤسسان را کنار گذاشت، و کابینه دولتی غیرشفاف را با اعضای نزدیک خانواده در پست‌های کلیدی نصب کرد، این تلاش‌ها خنثی شد.

استیضاح و زندانی شدن «کاستیلو» به بحران سیاسی پایان نمی‌دهد، بلکه آن را عمیق‌تر می‌کند. در شش سال گذشته، شش رئیس‌جمهور جمهوری به طور متناوب در پرو تغییر کرده‌اند که همگی مسئول مستقیم بحران اقتصادی و سیاسی، مشکلات اجتماعی جدی کارگران و مردم، برای سیاست ضد ملی در خدمت منافع بین‌المللی هستند. سرمایه‌مالی و واگذاری امتیازات عظیم معدنی به انحصارات بین‌المللی. در طبقات بالا، جناح‌های مختلف بورژوازی بی‌رحمانه برای قدرت و کنترل نهادی مبارزه می‌کنند، در حالی که کارگران و مردم در صورت اعتراض قربانی فقر، بیکاری، دستمزدهای پایین و سرکوب می‌شوند. این مشکلات و مطالبات مادی دیگر انگیزه مبارزه مردم است، به‌ویژه آنها خواستار تشکیل مجلس مؤسسان به‌عنوان بخشی از مطالبه خود "همه بیرون!"

کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست-لنینیست (IKMLPO) توطئه امپریالیسم و جناح راست پشت کودتا را محکوم می‌کند و همبستگی خود را با مبارزه کارگران و مردم پرو اعلام می‌کند.\*

کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست-

لنینیست - ICMLPO

۸ دسامبر ۲۰۲۲



## خانه بیداد می‌کند!

با گسترش اعتراضات حق‌طلبانه جوانان در ایران برای آزادی و احترام به حقوق شهروندی و اجتماعی، جهان‌خواران غرب به سرکردگی امپریالیسم امریکا تلاش دارند چون گذشته در کشور عزیز ما بار دیگر با امکانات و مزدوران اجیر شده شان بر موج این مبارزات سوار شوند و مسیر آن را به سمت و سوی منافع خویش به کجراه ببرند.

رقص مزدوران آنها با پرچم امریکا بعد از باخت تیم ملی فوتبال ایران به تیم امریکا در قطر سندی زنده بر بزه‌کاری این جماعت خود فروخته است. اینان برخلاف ملت ایران که دیگر حاضر به پذیرش زورگویی‌های رژیم جمهوری اسلامی ایران نیستند و برای آزادی و حقوق حقه خویش به مبارزه‌ای قاطع برخاسته‌اند، با شهادت تاریخ از پایه و اساس با استقلال، آزادی ملی و حاکمیت ملی ایران دشمنی دیرینه دارند و همچون گذشتگان هم‌نوع خود هدفی جز خدمت به این غارتگران جهانی و به بند کشیدن ملت و استقلال ایران در سر ندارند.

نگک و نفرت ملت ایران بر آنها باد!

### «خانه بیداد»

از خشم به عصیان شده این خانه‌ی بیداد  
سرتاسر این خانه بود آتش و فریاد  
ملت به روا در ره آزادی خویش است  
جمعی ز برون «صالح» و در منبر «ارشاد»  
«از خون جوانان وطن لاله دمیده»  
بر موج غضب‌ها به تلاش «ناجی» صیاد  
جمعی شده‌اند خادم و در خدمت عیار  
با اشک چو تمساح، ولی در ره شیاد  
ای بی وطنان کز ره خلق فاصله دارید  
امیال شما را دگر از پرده بر افتاد  
پیشینه مخدوم شما غرقه به خون است  
در غارت و در جنگ و تبهکاری شداد  
آزادی ما از ستم دین و خرافات  
با تکیه به خویش است نه با دشمن نقاد  
تاریخ وطن شاهد ارباب شما بود  
در سلطه و بر پایی این خانه‌ی بیداد  
در حسرت مخدوم شما با گذر از او  
از خانه برانیم ستم از ریشه و بنیاد  
شاعر: «توفنده»\*

اول ماه دسامبر سال ۲۰۲۲



ای هم حمایت کند". او در ضمن به این مسئله اشاره می‌نماید که "بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ بر علیه دولت قانونی مصدق در ایران اینبار باید بسیار هوشیار بود که دول خارجی در این مسئله نتوانند دخالت نمایند و دولتی را بر سر کار بیاورند که اهداف آنان را دنبال کند". "سیما ثابت" که در وقاحت و دریدگی ید طولانی دارد باز هم کوتاه نمی‌آید و می‌پرسد که با درخواست اخراج سفرای ایران، بستن سفارتخانه‌های ایران و با گذاشتن سپاه پاسداران ایران در لیست گروه‌های تروریستی که از طرف افراد سیاسی و گروه‌های "خوشنامی" بمانند معصومه علی‌نژاد، شیرین عبادی، حامد اسماعیلیون و عده‌ای معلوم الحال دیگر که برای ریختن بمب بر سمرقند ایران دقیقه شماری می‌کنند، موافق است یا نه. جواب وارفاکیس این بار هم کاملاً واضح است. نه، او با این مسئله مخالف است. وی گفت "سفیران هر کشوری برای تبادل امور سیاسی این کشورها مشغول انجام کار هستند. البته می‌توان سفر را احظار نمود و برای مطرح کردن موضوعاتی که با آن مخالفتی وجود دارد به بحث و تبادل نظر پرداخت." وی همچنین افزود که اگر سفرای ایران قرار است اخراج شوند با سفرای آمریکا و سفارتخانه‌های آنان چه باید کرد. وی ضمن مخالفت با برخورد دولت جمهوری اسلامی با معترضان به درستی اشاره نمود که این اعتراضات نباید از طرف نیروهای ارتجاعی دیگر مورد سواستفاده قرار گیرد. بعنوان مثال اگر قرار است که سپاه پاسداران در این لیست تروریستی قرار گیرد باید دولت اسرائیل هم در این لیست باشد. با آمریکا چه باید کرد که در ویتنام و در عراق مرتکب جنایات بسیاری شده‌اند. اما سیما ثابت که بعلت مشغله زیاد؟ وقت خواندن اخبار روز را هم ندارد و گرنه می‌دانست که دولت آمریکا، اسرائیل و عربستان سعودی در همین ساعتی که او مصاحبه خود را انجام می‌دهد در حال تعرض به حقوق انسان‌ها هستند، کوتاه نمی‌آید و خودش را به نادانی زده و می‌پرسد آنچه در "گذشته" اتفاق افتاده در حال حاضر مطرح نیست. جنبشی که در سه ماه گذشته در ایران صورت گرفته است نباید تنها از طرف انسان‌های آزادیخواه بلکه از طرف جنایت کاران آمریکایی، اسرائیلی، سعودی‌ها "و احتمالاً داعشی‌ها" و همکاران ایرانی آنها مثل مریم رجوی رئیس جمهور انتخابی دولت آمریکا برای مردم ایران مورد حمایت قرار گیرد. او در این زمان دلیلی نمی‌بیند که برای حقوق بشر در تمام جهان مبارزه شود. زیرا وی حقوقش را "شاهزاده جوان دمکرات" سعودی محمد بن سلمان می‌پردازد. نیازی هم نمی‌بیند که راجع به اعدام مخالفان و گردن زدن آنها در عربستان سعودی سخن گوید یا در مورد کشتار چهارصد هزار نفر از زنان و مردان و کودکان یمنی توسط اربابش کلامی بگوید.

پاسخ یانيس وارفاکيس در مورد تروریسم دولتی عربستان، آمریکا و اسرائیل روشن و شفاف است و تاکید می‌کند "که در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و برای کسب آزادی و حقوق دمکراتیک باید تکلیف جنبش خود را با نیروهای متخاصم و ارتجاعی خارجی نیز روشن کنیم تا انگ همدستی با امپریالیسم را از طرف رژیم ایران نخوریم. اتخاذ چنین روشی در مقابل دشمنان خارجی شرایط مناسب تری را برای به میدان کشاندن میلیون‌ها ایرانی که ناظر بر صحنه مبارزه هستند فراهم می‌کند."\*



## پاسخ دندان شکن یانيس

## وارفاکيس وزير اسبق

## اقتصاد يونان به مجری

## تلویزیون "سعودی اینترناشنال"

تلویزیون "سعودی اینترناشنال" که با هزینه‌های سرسام آور از بدو تاسیس همواره در جهت جنگ افروزی بر علیه ایران به تبلیغات مغرضانه و دروغ‌گوینه گسترده‌ای دست زده است، می‌کوشد با مصاحبه با برخی افراد مترقی و جبهه‌ای برای خود خرید و ماهیت ارتجاعی خود را پنهان سازد. این تلویزیون دروغ‌پرداز که متأسفانه در بسیاری از خانه‌های ایرانیان دیده می‌شود، این بار بعد از مصاحبه با "روجر واترز" که همواره از حقوق فلسطینیان دفاع نموده است، به سراغ یانيس وارفاکيس وزير سابق اقتصاد يونان و نماینده فعلی پارلمان این کشور رفته است. یانيس وارفاکيس که از کمپین حمایت از زندانیان سیاسی در ایران حمایت کرده است در جواب "سیما ثابت" مجری برنامه، ضمن اشاره به شعار "زن، زندگی، آزادی" در ادامه جواب دندان شکنی به او می‌دهد که او را بیشتر خجالت زده می‌کند. او ضمن اشاره به کمک کردن به تمام کسانی که برای تحقق حقوق انسان‌ها مبارزه می‌کنند اما بلافاصله حساب خود را با کسانی که در صف آمریکا و یا اسرائیل بر علیه ایران مشغول فعالیت بوده جدا می‌کند و بر این قضیه تاکید می‌کند که این نیروها بشدت ارتجاعی و بر علیه منافع ملت ایران عمل می‌کنند. ما در اینجا به شعار پوپولیستی "زن، زندگی، آزادی" نمی‌پردازیم چرا که در مقاله‌های ما به آن اشاره شده است. تنها آنکه روشنفکران اروپایی آن هدفی را که در ایران برای قبولاندن این شعار برای مبارزات مردم ایران بکار برده می‌شود، نمی‌دانند. نمی‌دانند که پشت این شعارچه هدف‌های نابود کننده‌ای برای ملت ایران و بویژه زنان ایران دنبال می‌شود. یانيس وارفاکيس در ادامه می‌گوید که "اگر قرار است کارزاری برای دفاع از مبارزات مردم ایران در پارلمان‌های مختلف ایجاد شود این کارزار باید همچنین از مبارزان یمنی، فلسطینی و سوریه

حوزه نتیجه‌گیری می‌توان به خوبی متوجه شد که درد حضور این پهپادها در اوکراین چنان زیاد است که چنین ادعایی می‌کنند. این سوال را همه می‌پرسند که اگر شما بالای ۸۰ درصد پهپادهایی که روس‌ها می‌فرستند را منهدم می‌کنید چرا این همه داد و فریادتان بلند است؟ مشخص است که چنین مساله‌ای بیانگر کارآمدی این پهپادها است.

**چهارم:** با این حال، اظهارات رئیس‌جمهور اوکراین در سفر ۱۰ ساعته به آمریکا در مورد ایران و پهپادهای ایرانی باعث شد تا صبر برخی از مقامات که در تهران همواره از گفت‌وگو و رایزنی با مقامات اوکراینی می‌گفتند هم سر آید و تاکید کنند که دیگر نمی‌توان تا این اندازه در مورد اظهارات خارج از اصول سران دولت وابسته کی‌یف سکوت کرد. با این حال، مقامات غربی به شدت نگران حضور موشک‌های ایرانی در جنگ اوکراین هستند. آن‌ها پهپادها و اثرگذاری عمیق آن‌ها را دیده‌اند و از این وحشت دارند اگر موشک‌ها هم حضور پیدا کنند چه اثرات مخربی می‌تواند داشته باشد. اظهارات جوزپ بورل در دیدار با وزیر امور خارجه در اردن و درخواست او برای خودداری ایران از تحویل پهپاد و موشک به روسیه ناشی از همین نگرانی‌ها است.

**پنجم:** با این حال، به صورت مشخص می‌توان گفت کشورهای غربی که به جنگ اوکراین به مساله «مرگ و زندگی» نگاه می‌کنند پشت پستوهای سیاست در حال رایزنی‌های عمیقی با مقامات ایرانی هستند تا شاید بتوانند ایران را راضی به پایان کمک نظامی به روسیه کنند، آن‌ها یا می‌دانند که حضور ایران در جنگ اوکراین به خاطر روسیه نیست بلکه به دلیل دشمنی دیرینه غربی‌ها و فشارهای ناجوانمردانه آن‌ها به ملت ایران است یا نمی‌دانند. در هر دو صورت، تا زمانی که سیاست تحریم، فشار، مداخله و خرابکاری غربی در ایران ادامه دارد، نه تنها صدای پهپادها، صدای موشک‌ها هم در اوکراین شنیده خواهد شد.

**ششم:** این در حالی است که رئیس سازمان اطلاعات نظامی اوکراین در گفت‌وگو با روزنامه نیویورک تایمز تصریح کرد که ایران موشک‌های کروز به روسیه انتقال نداده است. (در حقیقت مشخص نیست منظور او از موشک‌های کروز، موشک‌های تاکتیکی است یا چیز دیگری، چرا که روس‌ها خودشان بهترین کروزساز دنیا هستند) با این حال بودانف در مصاحبه خود تصریح کرد که از ماه اکتبر به طور تخمینی، ارتش روسیه هر ۱۰ روز، زیرساخت‌های انرژی اوکراین را با موشک و پهپاد بمباران کرده است و در هر حمله از حدود ۷۵ موشک کروز استفاده کرده است.

**هفتم:** اظهارات مقامات اوکراینی در مورد خرید ۱۷۰۰ پهپاد شاهد توسط روسیه از ایران و ناتوانی این کشور بر اثر گذاری بر اصل رابطه تهران - مسکو، آن‌ها را به سمت هدیان‌گویی مستمر سوق داده است. این شرایط برای ما قابل درک است که یکی مانند بودانف امیدوار باشد که با تهدید ایران به تحریم بیشتر توسط غرب (خودش می‌داند که اوکرین مال این حرف‌ها نیست) ایران از تحویل موشک‌ها به روسیه خودداری کند اما او نمی‌داند که دیگر جایی برای تحریم بیشتر باقی نمانده است و ایران نه با اوکراین، که با ناتو در حال نبرد است.\*

منبع: کانال تلگرام اخبار سوریه



## چند کلام در مورد نبرد ایران با ناتو در اوکراین

**یکم:** بخش بزرگی از جنگ در اوکراین را جنگ روانی و رسانه‌ای باید دانست که مدیریت آن را سازمان اطلاعات خارجی انگلیس یا همان MI۶ بر عهده دارد. چند تیم متخصص که در چندین شهر اوکراین حضور دارند و یک تیم نیز همیشه در مکان اقامت زلنسکی او را مدیریت می‌کند. همین دستگاه تبلیغاتی از ابتدای انتشار خبر انتقال پهپادهای ایرانی توسط صهیونیست‌ها شروع به دروغ‌پراکنی در مورد این پهپادها کرد؛ اول گفتند که روس‌ها ناراضی هستند، بعد گفتند به درد نمی‌خورند، بعد که پهپادها وارد میدان شدند گفتند عملکرد خوبی نداشته‌اند، بعد مدعی شدند بخش عمده‌ای از این پهپادها را منهدم می‌کنیم، بعد گفتند پهپادها یخ زده و نمی‌توانند پرواز کنند و....

**دوم:** اما همه این تبلیغات رسانه‌ای و روانی در کت این پهپاده و اپراتورهای آن نمی‌رفت؛ وقتی بخش عمده‌ای از اوکراین در خاموشی فرو رفت، همه دنیا فهمیدند که برخلاف تبلیغات صورت گرفته، این پهپادها هم کارشان خوب است، هم عملکردشان عالی است و هم تمام صحبت‌هایی که مقامات اوکراینی به نیابت از ناتو می‌گویند دروغی بیش نیست. نه می‌توانند پهپادها را بزنند (پیشرفته‌ترین سیستم پدافند توپخانه‌ای که در سازمان رزم ناتو حضور داشت هم وارد میدان شدند، اما راه به جایی نبردند) و نه پهپادها یخ می‌زنند. از سوی دیگر، طرف اوکراینی در طول چند ماه گذشته با وجود ادعاهای مکرر، موفق نشد ثابت کند که پهپادهای روسی، ساخت ایران است چرا که بخش عمده قطعات آن ساخت کشورهای غربی بود!

**سوم:** حالا شاهد رویکرد جدیدی هستیم که البته چندان هم جدید نیست و آن نیز درخواست برای حمله و انهدام تاسیسات ساخت پهپاد در ایران! این درخواست‌های عجیب و غریب در حالی توسط برخی از مسوولان و مقامات اوکراینی در می‌آید که در



## تظاهرات و شورش پس از کودتای جناح راست در پرو و چند درس مهم از این کودتا

از زمان «کودتای پارلمانی» در پرو، وضعیت به ویژه در جنبش های کارگری، دهقانی و مردمی به سرعت تغییر کرده است. بسیج توده ای پیوسته رشد کرده است. مدت بازداشت «کاستیلو» تمدید شد و وضعیت فوق العاده در سراسر کشور اعلام شد. روسای جمهور مکزیک، کلمبیا، آرژانتین، کوبا، هندوراس و نیکاراگوئه خواستار رعایت حقوق رئیس جمهور «کاستیو» شدند.

اعتراضات مردمی بسیار شدید است و به چندین بخش استانی سرایت کرده است. معدنچیان، دهقانان، زنان (مزارع بزرگ «کشاورزی جدید» برای صادرات: تاکستان، گل، آوکادو،...)، دانشجویان و بسیاری از جوانان از فراخوان های اتحادیه های کارگری و احزاب چپ برای تظاهرات پیروی می کنند... هشدار دولت توسط پلیس به صدا درآمده است (بدون تعطیل کردن کار، بدون تعطیل کردن کار). شلیک گلوله های جنگی توسط پلیس و ارتش: ۷ کشته در آنداهویلاس (استان محل اقامت رئیس جمهور فعلی) موجب گردید. در آرکیپا چندین مجروح و معلول و ده ها نفر دستگیر شدند. در چندین بخش وضعیت اضطراری اعلام شده و ۱۰ فرودگاه بسته شده است. راه های اصلی مسدود شده بود که بر جابجایی محصولات کشاورزی و گوشت عمدتاً به شهرها تأثیر گذاشت.

مطالبات سیاسی در جنبش مردمی عبارتند از: انحلال کنگره، انتخابات عمومی، تشکیل مجلس مؤسسان و آزادی «کاستیو». به این مطالبات، خواسته هایی برای بهبود شرایط زندگی کارگران دهقانان و غیره اضافه می شود. اکثریت قریب به اتفاق اتحادیه های کارگری، اتحادیه های دهقانی، تشکل های دانشجویی و جوانان،

تشکل های مردمی زنان بخشی از جنبش هستند و خواستار ادامه بسیج هستند. CGTP خواستار راهپیمایی به لیما است.

کنگره ساکت است، مطبوعات و رسانه ها باید از بسیج مردمی گزارش می دادند، اما بر «تخریب»، «غارت مغازه ها»، مرده ها تأکید می کنند... فراخوان و تشویق مردم به «صلح» و «گفتگو» افزایش یافته است اما تأثیر مهمی بر مردم ندارد. نیروهای پشت این کودتای ارتجاعی اعلام کرده اند که انتخابات ریاست جمهوری به سال ۲۰۲۴ (به جای سال ۲۰۲۶) کشیده می شود، اما اینطور نیست. توده مردم نمایندگان کنگره را به عنوان «خائن» محکوم می کنند و شعارها این است: «ما شما را برای این انتخاب نکردیم». تقاضا برای انحلال کنگره به یک تقاضای گسترده تبدیل شده است.

از آنجایی که صاحبان قدرت برای افزایش سرکوب فشار می آورند، شکاف هایی در ارتش ظاهر می شود، به ویژه در سطح افسران و سربازان لایه های پایینی ارتش (خدمات نظامی اجباری است)، که برخی از آنها از شلیک به غیرنظامیان خودداری می کنند. ۱۵ استان در محاصره ارتش قرار دارند.

اعلامیه رفقای حزب کمونیست پرو (مارکسیست لنینیست) (L-PCP (m-

ترجمه به فارسی از حزب کارایران (توفان). حزب ما همبستگی خود را با جنبش کارگری و مردمی در پرو اعلام می دارد و از مبارزه رفقای پرو علیه رژیم کودتا و مداخله امپریالیستی حمایت می کند.

### چند درس مهم از کودتای پرو:

**یکم:** رئیس جمهور منتخب پرو، «پدرو کاستیو»، یکی از رهبران سابق اتحادیه معلمان و محبوب روستائیان و مردم بومی این کشور، در هشتم دسامبر ۲۰۲۲ پس از یک کودتای پارلمانی که مورد تأیید امپریالیسم آمریکا قرار گرفت سرنگون شد. او هم اکنون در زندان به سر می برد و کودتاچیان وی را به ۱۸ سال حبس محکوم کرده اند. این سومین باری بود که طی ۱۸ ماه دوره ریاست جمهوری «کاستیو»، مخالفان دست راستی وی در پارلمان پرو برای استیضاح او تلاش می کردند، تلاشی که قبلاً بی ثمر مانده بود و این بار به نتیجه رسید. «کاستیو» اگر چه از نقشه کودتا مطلع بود، اما توهم به آشتی با

کرد، امپریالیست‌ها که همواره اقلیت برخوردار پرو را متحد خود می‌دانسته‌اند سر سوزنی برای این «اعتدال‌گرایی» ارزش قائل نشدند. **چهارم:** پرونده «پدرو کاستیلو» شباهت‌هایی با سایر پرونده‌های آمریکای لاتین دارد. قوه قضائیه و رسانه‌ها در توطئه‌های سیاسی برای برکناری رهبران مترقی شرکت می‌کنند. «دیپلما روسف» از برزیل پس از یک کارزار رسانه‌ای گسترده استیضاح شد و «لوئیز ایناسیو لولا داسیلوا»، رئیس‌جمهور منتخب، قبلاً زندانی و از شرکت در انتخابات منع شده بود. «فرناندو لوگو» از پاراگوئه نیز با توطئه مشابه پارلمانی از قدرت برکنار شد. پیش از کودتا علیه «مانوئل زلایا» در هندوراس و «اوو مورالس» در بولیوی، یک کمپین رسانه‌ای با حمایت قوه قضائیه صورت گرفت. هم «کریستینا فرناندز دی کشرنر»، معاون رئیس‌جمهور آرژانتین و هم «رافائل کورنا» رئیس‌جمهور سابق اکوادور از پیگرد قانونی و رسانه‌ای رنج برده‌اند. به آن قانون می‌گویند - جنگ قانونی. این تعامل بین قوه قضائیه و شرکت‌های رسانه‌ای برای آسیب رساندن یا سلب مشروعیت مخالفان سیاسی است. در آمریکای لاتین، «قانون» جایگزین کودتاهای نظامی به‌عنوان مؤثرترین سلاح سیاسی راست برای تصاحب قدرت شده است.

این امر به ما می‌آموزد که به امپریالیست‌ها نباید اعتماد کرد؛ حتی یک سر سوزن. و امروز بار دیگر در تحولات اخیر پرو به اثبات رسید. «پدرو کاستیلو» که نماینده لایه‌های متوسط بورژوازی ملی و خرده بورژوازی شهر و روستا بود سعی داشت به‌عنوان بخشی از سیاست مماشات‌جویانه خود در قبال کلان سرمایه‌داران و اشراف سیاسی پرو سیاست خارجی «دولت چپش» را چنان پیش ببرد که جانب «اعتدال» را رعایت و «اعتماد» امپریالیست‌ها را جلب نماید. لیکن خیلی دیر دریافت چنین رویکردی نه تنها موجب ثبات و تحکیم دولتش نمی‌شود بلکه وی را با بیرحمی تمام از اریکه قدرت به‌زیر کشید و تمام رویاهای سازش با جهان امپریالیستی «متمدن» را نقش بر آب کرد.

وقتی دغدغه هر حکومتی که مدعی تحولات مثبت و دمکراتیک در جامعه است به‌جای اعتماد و اتکا به زحمتکشان و بسیج آنها علیه صاحبان زرزور، حفظ ائتلاف و زدوبند با نیروهای صاحب ثروت و تضمین جایگاه برتر آنها در دستگاه حاکمیت است، با شکست روبرو خواهد شد. بدبینی نسبت به قدرت توده‌ها، بویژه طبقه کارگر و کمونیست‌ها و کرنش و نرمش در قبال امپریالیست‌ها و ستون پنجمشان، جنبش را به شکست می‌کشاند که در پرو و سایر ممالک مشابه از جمله درمپن ما ایران و کودتای ننگین آمریکای انگلیسی ۲۸ مرداد ۳۲ به شکست کشانید!

حزب مارکسیست لنینیست اگر چه بطور مشروط از مبارزه دمکراتیک و ملی لایه‌های بورژوازی متوسط علیه امپریالیسم و کلان سرمایه‌داران حمایت می‌کند اما هیچ توهمی به ماهیت متزلزل و ناپایدار بورژوازی ندارد، همواره می‌کوشد تا با شرکت در مبارزه سیاسی، بالابردن سطح آگاهی توده‌ها و آموزش آنها رهبری مبارزه علیه بورژوازی و امپریالیسم رادردست گیرد و پیروزی قطعی بردشمن طبقاتی و ملی را تضمین نماید. چنین رسالتی تنها در ماهیت طبقه کارگر و توده زحمتکش تحت رهبری حزب کمونیست مارکسیست لنینیست است و جز این نیز نیست.\*

دشمنان داشت، بدنال انحلال پارلمان برآمد، اما، کودتاچیان در پارلمان با پیش‌دستی و برنامه از قبل طرح‌ریزی شده و با هماهنگی و همراهی دستگاه فاسد قضایی پرو و با حمایت ارتش و بورژوازی وابسته به آمریکا برکنار و بازداشت شد. برکناری «کاستیلو» به‌عنوان ششمین رئیس‌جمهور پرو در پنج سال گذشته، عمق بی‌ثباتی سیاسی در این کشور آمریکای لاتین را نشان می‌دهد. بی‌ثباتی‌ای که بیش از هر چیز ناشی از نفوذ امپریالیسم آمریکا در ساختار سیاسی اقتصادی این دومین کشور جهان به لحاظ بالاترین میزان تولید نقره، مس و روی می‌باشد.

**دوم:** بی‌تجربه‌گی سیاسی «پدرو کاستیلو» و عدم توانایی او برای رهبری کشور و توهم به لایه‌های بالای بورژوازی و امپریالیسم و به‌سود مصالح‌نیروهای راست پرو نقش بازی کرد. در تلاش برای سازش با آنها، او همه وعده‌های مهم انتخاباتی، در مورد برگزاری مجلس قانون اساسی، ملی کردن صنعت معدن، کمک‌های مالی قابل توجه به مراقبت‌های بهداشتی و مدارس را پس گرفت. وزرا به‌طور مستمر مجبور به استعفا شدند. احزاب حامی دولت منشعب شدند. در پایان او کاملاً منزوی شد. او دیگر به‌سختی یک گروه پارلمانی برای دفاع از دولت در کنگره داشت. آخرین حرکت ناامیدکننده قدرت او نه از حمایت پارلمانی و نه مردمی برخوردار بود و حتی در آستانه مغایرت با قانون اساسی بود.

«پدرو کاستیلو» با امید به اینکه راست به او اجازه حکومت بدهد، نیروهای چپ در کنگره را که در ابتدا از او حمایت می‌کردند به‌حاشیه راند. اما این تنها تقصیر «کاستیلو» نیست. چپ فزاینده تضعیف شده پرو در نبرد قدرتی که اکنون از زمان روی کار آمدن او ادامه دارد، تقسیم شده و فلج شده است. هیچ‌کس در سمت چپ که در ابتدا از او حمایت می‌کرد، اکنون به‌دفاع از او نیامده است. چپ‌های متشکل در کنگره هم کوتاه فکرا نه و هم فرصت‌طلبانه عمل کرده‌اند. تعدادی از اعضای احزاب «چپ» پرو لیبره، حزب خود «کاستیلو»، بلوک معیشتی‌ریال، جونتوس پورال پرو و پرو دموکراتیکو به‌برکناری «پدرو کاستیلو» رای دادند. «چپ» مسئول شکست تاریخی حکومتی است که حداقل در ابتدا یک دولت «چپ» بود.

**سوم:** علی‌رغم تمام تلاش‌های «پدرو کاستیلو» (چه پیش از انتخابات چه پس از رسیدن به قدرت) برای فاصله گرفتن از کوبا و ونزوئلا و تأکیدش بر این که «چاویسم جایی در پرو نخواهد داشت»، علی‌رغم حضور مشتاقانه او در اجلاس سران کشورهای قاره آمریکا در لس‌آنجلس و ملاقات با نمایندگان شرکت‌هایی نظیر سیتی‌گروپ، یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های خدمات مالی در جهان (درحالی‌که بولیوی اعلام کرده بود به‌دلیل عدم دعوت آمریکا از سه کشور کوبا و نیکاراگوئه و ونزوئلا به این اجلاس، در آن شرکت نمی‌کند و رئیس‌جمهور مکزیک هم با انتقاد از عملکرد تفرقه‌افکنانه ایالات متحده گفته بود به نشانه اعتراض در این اجلاس حضور نخواهد یافت و صرفاً نماینده‌ای اعزام می‌کند)، و علی‌رغم این که «کاستیلو» بلافاصله پس از سفرش به نیویورک و شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل، تصویر خود و همسرش در ملاقات «گرم و دوستانه» با جو و جیل بایدن را در حساب کاربری‌اش در توئیتر منتشر و از «گفت‌وگو و دموکراسی و انسجام جهانی» به‌عنوان راه‌حل غلبه بر چالش‌های بزرگ یاد

ما دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی علامه خواستار آزادی بی قید و شرط تمام دانشجویان زندانی دانشگاه‌های سراسر ایران هستیم و اجازه نخواهیم داد بر نام پرافتخار دوستان در بندمان مهر فراموشی و بی توجهی زده شود.

خطاب به ملت شریف ایران  
شما در این دو ماه آزاد زیستن را دگر باره معنا کردید. جنبش دانشجویی همراه و هم قدم با شما ایستاده است و به بانگ بلند اعلام می کند نخواهیم گذاشت خواست دموکراسی خواهی و برابری طلبی شما مردم ایران به دست مرتجعین داخلی و خارجی مصادره شود. ارتجاع همواره به اشکال گوناگون خود را در جنبش‌های مترقی این تاریخ، باز تولید کرده است. از اصلاح طلبانی که اکنون دوباره به صحنه آمده‌اند تا جمهوری اسلامی استخوان پاره‌ای از نعل قدرت را به دامانشان بیاندازد و چنان ناشنوا شده‌اند که انگار سالیان پیش صدای دانشجویان و کارگرانی که یکصدا فریاد می زدند «ماجرای اصلاح طلب و اصولگرا تمام شده است» را نشنیده‌اند تا نوع دیگری از ارتجاع که می خواهد خروج مردم ایران از انقیاد را ذیل سلطه و انقیادی دیگر در آورد. اینان راه حل را یا در سلطنتی سیاه و خونین و منقرض شده می بینند و یا دست به دامان قدرت‌هایی می شوند که کمتر از مستبدین داخلی در این سالها بر مردم فرودست جهان ستم نکرده‌اند. خطاب به تمام مصادره کنندگان و مرتجعین: «شما آزادید که سخن بگویید اما بدانید سخن‌هایتان دیگر خریداری در میان آحاد مردم و دانشجویان ندارد و ملت آگاه ایران، پیروزمندانه با گذر از مزار نحس‌تان، آینده‌ی خویش را خواهد ساخت.»  
پیروزی یک بار و برای همیشه متعلق به ملت ایران است.\*



## متن بیانیه قرائت شده در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی

به مناسبت گرامیداشت ۱۶ آذر، روز دانشجو. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است:

### «ما هنوز زنده‌ایم»

از ۱۶ آذر ۱۳۳۲ که برای خوش خدمتی به اربابانان، طاق نصرتی از خون را برای اعلیحضرت آراستید؛ تا ۱۶ آذر ۱۴۰۱ که دانشجویان را ربودید و ممنوع‌الورود کردید تا دلچک جمهور با خیال آسوده خاطره تعریف کند و دانشجویان استیجاری‌اش برایش کف و سوت بزنند؛ سودای مرگ ما را داشتید. این آرزو را به گور خواهید برد: «ما هنوز زنده‌ایم.»

ما هنوز زنده‌ایم، پس از هفتاد سال همچنان جوان و آماده و جان بر کف. نه از تهدیدها و ارباب‌هایان می‌هراسیم و نه دیگر زندگی ذلیلانه زیر عبای مرگ‌آلود شما را بر می‌تاییم. جنبش دانشجویی به مدد پشتوانه مردم آن تاج به سر تکیه داده به تاریخ خونین ۲۵۰۰ ساله را به زیر کشید، آگاه باشید که شما مصادره‌کنندگان نام آن سه دانشجوی شهید نیز از آتش خشم ما در امان نخواهید بود. روز دانشجو تبریکی ندارد. تریک را در این روز تاریخی کسانی به یکدیگر گفتند که در جنایت و سرکوب شریک بودند.....

**سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی  
به دست مردم**

# در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ چه گذشت؟! [

تاریخی پنهان است و سنگر گرفته و دانشجویان و توده مردم را به اعتراض و اعتصاب برای سرنگونی رژیم دعوت کرده است. این فراخوان ادامه فراخوان‌هایی است که تحت نام «کمیته‌های محلات» برای گرم نگاه داشتن تنور اعتراضات در عرصه مجازی منتشر شده و رسانه‌های امپریالیستی برون مرزی نظیر «منو تو و بی بی سی و سعودی اینترناشنال...» آن را تبلیغ کرده و بازتاب داده‌اند. ماهیت این «کمیته‌های محلات» و فراخوان‌هایی که مردم را به تظاهرات برای چنین روز تاریخی، روز دانشجو دعوت می‌کنند، مشکوک و سرنخشان در دست جریاناتی است که مورد حمایت نیروهای امپریالیستی و صهیونیستی قرار دارد. نیرویی حق دفاع از روز ۱۶ آذر، روز دانشجو را دارد که ضمن مبارزه علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی برای کسب آزادی‌های دمکراتیک، علیه امپریالیسم آمریکا و دول ارتجاعی که از تحریم‌های اقتصادی و اپوزیسیون بورژوازی و سرسپرده حمایت می‌کنند، جهت‌گیری نماید. در غیر اینصورت چنین اعتراضاتی ربطی به ۱۶ آذر که ماهیتا جنبشی ضد استبدادی و ضد امپریالیستی است ندارد باید آن را افشا و در تنویر افکار کمر همت بست.

گرامیداشت این روز تاریخی تنها با هوشیاری و در پیوند با سایر مبارزات اجتماعی بویژه کارگران و اقشار تحت ستم جامعه بر علیه استبداد داخلی و عوامل نفوذی امپریالیستی می‌تواند تعریف گردد و مورد حمایت ما قرار گیرد.

یاد همه جان باختگان راه آزادی و استقلال را که توسط رژیم‌های شاهنشاهی و جمهوری اسلامی به خاک افتادند گرامی بدریم، و راهشان را برای یک ایران آزاد، آباد و مستقل و شکوفان ادامه دهیم.\*

زنده باد ۱۶ آذر، روز مبارزه علیه استبداد و امپریالیسم!

## برگی از تاریخ

### ۱۶ آذر به مناسبت روز دانشجو

روز دانشجو بار دیگر فرا می‌رسد. شانزده آذر ۱۳۳۲ به‌عنوان روز «مقاومت تاریخی» بر علیه استبداد ستم‌شاهی و استعمار در تاریخ مبارزاتی دانشجویان ایران ثبت شده است. مبارزه دانشجویان دانشگاه تهران بر علیه دادگاه فرمایشی و ارتجاعی دکتر محمد مصدق و بر علیه سفر نیکسون معاون وقت رئیس‌جمهوری امپریالیسم آمریکا در ایران بازتاب وسیعی داشت. در این روز در پی یورش نیروهای امنیتی و گارد به دانشکده فنی دانشگاه تهران و درگیری میان آنان و دانشجویان، سه دانشجوی مبارز این دانشگاه، «شریعت رضوی»، «مصطفی بزرگ‌نیا» و «احمد قندچی» در راه میهن و برای آزادی و استقلال جان باختند و ده‌ها تن مجروح و بازداشت شدند. از آن پس همه ساله، دانشجویان دانشگاه تهران و دیگر دانشگاه‌های سراسر ایران مراسمی به یاد شهیدان آن روز برپا کرده و در دوران رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی نیز دانشجویان این روز را همواره گرامی داشته‌اند.

بی‌تردید فضای اجتماعی دانشگاه را نمی‌توان جدا از کلیت جامعه ارزیابی کرد. هر گونه فعالیت سیاسی و صنفی در جامعه با برخورد شدید دستگاه سرکوب و بایکوت رسانه‌ای روبه‌رو می‌شود. سرکوب اعتراض‌های صنفی کارگران، معلمان و دگراندیشان و ... در سال‌های اخیر نشان‌دهنده چگونگی آزادی فعالیت صنفی و سیاسی در ایران است. دانشگاه نیز از این امر مستثنی نیست.

اما امسال در شرایطی به استقبال این روز تاریخی می‌رویم که دست‌های ناپاکی برای اهداف شوم خود پشت چنین روز

جنگ افروز آمریکا اهمیتی به نابودی کشور اوکراین نمی‌دهند و پشتیبانی ارزش هم برای جان مردم اوکراین قائل نیستند. آنها به خوبی می‌دانند، این مردم اوکرایین و اتحادیه اروپا هستند که بهای سنگینی را در جنگ علیه روسیه پرداخت می‌کنند. می‌دانیم هدف استراتژیک امپریالیسم آمریکا تجزیه کشور پهناور و بسیار غنی روسیه و دست‌اندازی به ثروتهای بیکران روسیه از جمله نفت و گاز و طلا و دیگر معادن زیرزمینی آن و برقراری و استمرار نظم تک‌قطبی در جهان است. برای دستیابی به چنین هدفی تمام تلاش آمریکا در این است که از اروپا و دولتمردان بی‌جنم و نوکرسفت اروپایی و از دولت بی‌ریشه و نئونازی مستقر شده در اوکراین به‌ریاست دلقکی بنام «زلنسکی»، حداکثر استفاده و به‌عبارت بهتر سواستفاده را ببرد و خود را از گزند بلایا دور نگهدارد! بر این اساس کاخ سفید اعلام کرد: «جوبایدن، نه فردا نه ماه آینده و نه سال آینده» نیروهای آمریکایی را برای شرکت در جنگ اوکراین علیه روسیه نمی‌فرستد. بجای اعزام نیروهای نظامی، میلیاردها دلار تجهیزات جنگی و سلاح‌های پیشرفته را به اوکراین ارسال خواهیم کرد تا اوکراین بتواند از خود دفاع کند. در این راستا کاخ سفید اعلام کرد که دولت بایدن از تلاش اعضای کنگره برای گنجاندن ۴۵ میلیارد دلار در لایحه بودجه برای «کی‌یف» حمایت می‌کند.

به‌نظر می‌آید که بدلیل شکست قریب‌الوقوع ارتش اوکراین، مهاجرت و آوارگی میلیونها اوکرایینی مخالف جنگ به خارج از کشور، کشته و زخمی شدن صدها هزار نظامی اوکرایینی و رسوایی و وعده‌های تو خالی سیاستمداران متجاوز «ناتویی» مبنی بر «پیشروی» ارتش اوکراین، نارضایتی و اعتصاب و اعتراضات گسترده اروپاییان علیه تورم و گرانی ناشی از دخالت بی‌جا و بی‌مورد اتحادیه اروپا در جنگ با روسیه، کاخ سفید را وادار کرده تا چاره‌ای بیندیشد. بر این پایه بایدن از «زلنسکی» خواسته تا در ۲۱ دسامبر به واشنگتن سفر کرده و ضمن سخنرانی در کنگره، ملاقاتی هم با وی داشته باشد! به نوشته روزنامه رای‌الیوم، چاپ لندن، واشنگتن برای تغییر «زلنسکی» و جایگزینی «والری زالوژنی» فرمانده کل ارتش اوکراین به جای او آماده می‌شود.

سرشت امپریالیسم آمریکا موجد زشت‌ترین وقایع در جهان است و مدام در پی کشتار ملت‌های جهان می‌باشد. جنگ، تجاوز، کودتا، توطئه، خرابکاری، تحریم، جعل اسناد، دامن زدن به اختلافات قومی، نژادی، ارضی، مذهبی، تسلیم بلاشرط کشورها، دوستی و همکاری نزدیک با مرتجع‌ترین و فاشیست‌ترین محافل دنیا و ایجاد مناطق بحرانی و جنگی برای فروش سلاح‌های مرگبار از سیاستهای راهبردی هیئت حاکمه آمریکا است!!

زمانی «هنری کیسینجر» گفته بود: «دشمنی با آمریکا ممکن است خطرناک باشد اما دوستی با آمریکا مهلک است»  
حتما چنین است.\*



## جنگ روسیه و اوکراین، جنگ روسیه علیه «ناتو» و نئونازیسم است

«داگلاس مک گرگور»، مشاور سابق «دانالد ترامپ» و سرهنگ بازنشسته نیروی زمینی ارتش ایالات متحده آمریکا، طی مصاحبه‌ای اظهار داشت؛ روس‌ها اکنون توانایی انجام حملات ویرانگر و بادقت بالا را دارند. روس‌ها نشان دادند که پدافند هوایی یکپارچه آنها به طرز شگفت‌انگیزی در سرنوشتی موشک‌های «هایمارس» آمریکا موثر بوده است.

همزمان با انتشار این مصاحبه «وبگاه آمریکن کنسرواتو» نوشت: پیمانکاران دفاعی، سیاستمداران و اندیشکده‌های آمریکایی به‌ضرر اوکراین و شهروندان آن، سود می‌برند. واشنگتن با مردم اوکراین مانند گاو [شیرده] رفتار می‌کند! اروپا هم از حداکثر تحریمها علیه روسیه رنج می‌برد و مردم اروپا با آمدن به خیابانها خشم‌شان را نشان می‌دهند. در جایی دیگر «والری زالوژنی»، سپهبد و فرمانده کل ارتش اوکراین طی سخنانی اظهار داشت: من چاره‌ای ندارم جز اینکه واقعیت‌های متلاشی شدن ارتش اوکراین را بگویم. مواردی از جمله فرار از خدمت، خروج غیرمجاز از میدان جنگ و نافرمانی و عدم رعایت دستورات نظامی را می‌توان ذکر کرد.

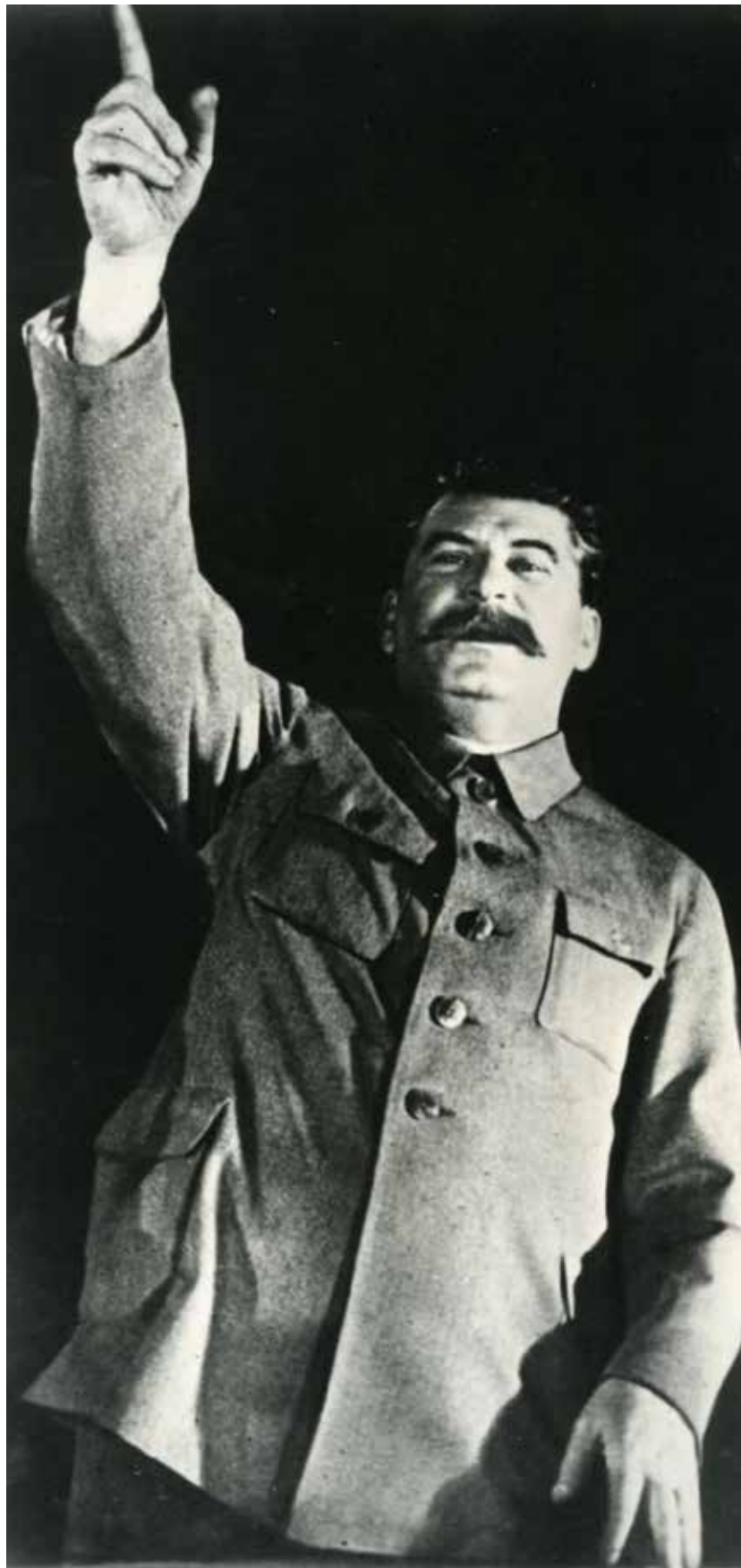
اما با توجه به اعترافات دو فرمانده نظامی آمریکا و اوکرایین در باره شکست اوکراین در مصاف با ملت روس، رسانه‌های دروغپرداز آمریکایی، نظیر «نیویورک تایمز» و مطبوعات اروپایی دنباله‌رو سیاست‌های آمریکا، اصرار دارند که روسیه در حال عقب نشینی و شکست خوردن است! ولی حقایق چیز دیگری را نشان می‌دهند. واقعیت این است که دولتمردان

## ۲۱ دسامبر، صد و چهلمین سالگرد تولد استالین

ناراضی هستی، اعتراض کن،  
اعتراض می کنی، انتقاد کن،  
انتقاد می کنی، پیشنهاد کن،  
پیشنهاد می دهی، عمل کن  
عمل می کنی، پاسخگو باش

۲۱ دسامبر سالگرد تولد استالین است. استالین در تمام دوران زندگی پر افتخارش، با اصولیت تمام، با تمام افکار پوسیده و ارتجاعی مبارزه نمود و با الهام از لنین می گفت که «هرگز از چیز خرد چشم نبوشید که از خرد است که کلان بر می خیزد».

استالین به ایده مارکسیسم و تکامل آن به لنینیسم وفادار ماند. حمایت از استالین و تجلیل از وی در صد و چهل و سومین سالگرد تولدش، حمایت از لنینیسم، حمایت از حزبیت طبقاتی، دیکتاتوری پرولتاریا و انقلاب قهر آمیز پرولتاریائی، پذیرش اصل مبارزه طبقاتی، نفی پارلمانتاریسم بورژوائی است. حمایت از استالین یعنی پذیرش این واقعیت که جنگ طلبی در سرشت امپریالیسم نهفته بوده و مبارزه با امپریالیسم و فاشیسم، مبارزه با همه گونه انحرافات رویزیونیستی «چپ» و راست برای کمونیست‌ها جنبه حیاتی دارد. در غیر این صورت حمایت از استالین چک بی محل است تا صورت رویزیونیست‌های «استالینیست» را سرخ نگهدارد و به آنها امکان دهد رویزیونیسم را در پشت خرقه «اعاده حیثیت از استالین» پوشانند و بر ضد طبقه کارگر و خلق‌های جهان دسیسه بچینند. به همین جهت رویزیونیسم دشمن مکار و خطرناک کمونیست‌هاست و باید با وی مبارزه بی‌امان نمود.\*





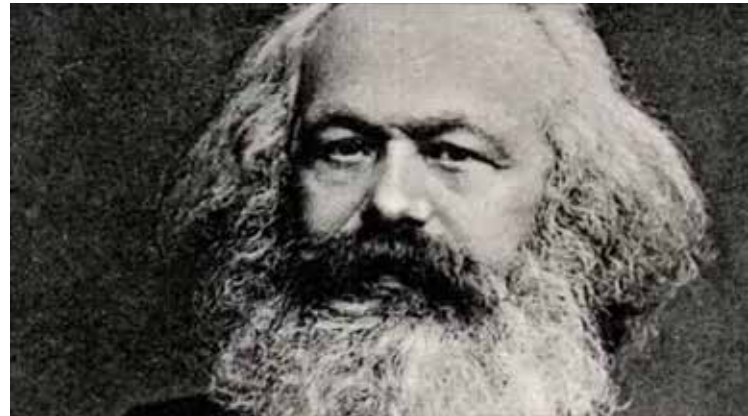
جانشین ساختن آن با نظام نو و مترقی بسود او است، چنین طبقه ای در جامعه سرمایه داری طبقه کارگر است. بنابراین جای شکفتی نیست اگر کشف قوانین جامعه و تکامل آن و ایجاد جامعه شناسی علمی فقط بادت متفکرین و ایدئولوگ های مترقی ترین و انقلابی ترین طبقه جامعه یعنی طبقه کارگر توانست جامعه عمل ببوشد.

حزبیت ماتریالیسم تاریخی در اینست که این علم متعلق به پرولتاریا است، بخشی از جهان بینی طبقه کارگر است، تئوری مبارزه پرولتاریا و همه زحمتکشان بخاطر ساختمان و استقرار جامعه سوسیالیستی و کمونیستی است.

تکامل جامعه سرمایه داری جز حرکت بسوی سوسیالیسم و کمونیسم نیست. از این رو قوانین تکامل جامعه با منافع و آرمان های طبقه کارگر هم آهنگی کامل دارد، شناخت کامل این قوانین به وی امکان می دهد که از آنها در جهت تحقق منافع و آرمان های خویش استفاده کند. از اینجا چنین نتیجه می شود که حزبیت ماتریالیسم تاریخی و بطور کلی ایدئولوژی پرولتاریا با علمیت در انطباق کامل است، حزبیت ضامن معرفت علمی، معرفت عمیق، عینی، همه جانبه و کمال به واقعیت جامعه و قوانین زندگی اجتماعی است. با این ترتیب طبقه کارگر جهان بینی خود را نمی پوشاند زیرا که از کشف حقیقت نمی ترسد، در تضاد با قوانین و گرایش های اجتماعی قرار نمی گیرد، زیرا چرخ زمان به سود وی می گردد، آینده از آن اوست. تنها ماتریالیسم تاریخی و بطور کلی ایدئولوژی طبقه کارگر نیست که خصلت طبقاتی و حزبی دارد. جهان بینی و ایدئولوژی بورژوازی نیز دارای چنین خصلتی است. اما بورژوازی خصلت طبقاتی ایدئولوژی خود را می پوشاند زیرا این ایدئولوژی در خدمت استثمار اقلیتی از اکثریت عظیم جامعه است.

ایدئولوگ های بورژوازی، جامعه شناسی بورژوائی را فاقد جنبه طبقاتی، در خارج از طبقات و مافوق طبقات می نمایانند. اما هنگامی که سخن بر سر موضوعاتی مانند ارزش اضافی، استثمار، مبارزه طبقاتی، دولت و حقوق و انقلاب است چگونه می توان در باره آنها از فقدان خصلت طبقاتی یا حزبی سخن گفت. آیا در جامعه طبقاتی انسانی را می توان یافت که مافوق طبقات باشد و در حل این موضوعات به این یا آن شکل ذینفع نباشد؟ البته از بورژوازی و دیگر طبقات کهنه و ارتجاعی جز این هم انتظار نمی توان داشت. ایدئولوژی و جهان بینی بورژوائی و از آن جمله جامعه شناسی بورژوائی دارای خصلت طبقاتی و حزبی است و وظیفه آن دفاع از موجودیت و منافع این طبقه، دفاع از نظام سرمایه داری است و بهمین علت است که در تضاد با قوانین تکامل طبیعت و جامعه است، به قلب و تحریف قوانین تکامل جامعه می پردازد و اصولاً امکان معرفت به قوانین طبیعت و اجتماع را نفی می کند. حزبیت بورژوائی علم را به دنیای ذهنی گری و به تحریف واقعیات و در نتیجه به طرد علم می کشاند.

ماتریالیسم تاریخی به احزاب طبقه کارگر امکان می دهد که گذشته و حال را بشناسند، واقعیت موجود را بدرستی دریابند و براساس واقعیات جهت حرکت تحولات جامعه را به بینند و فعالیت خود را در راه صحیح سوق دهند. در این زمینه وحدت علم با عمل، وحدت تئوری با پراتیک، ستاره راهنمای کلیه احزاب کمونیست است. ماتریالیسم تاریخی آنگاه می تواند تاثیر انقلابی خود را ببخشد که به پدیده های اجتماعی برخورد مشخص تاریخی داشته باشد، از هر گونه برخورد ذهنی و دکماتیک بپرهیزد. فقط برخورد مشخص و تاریخی، برخورد خلاق، عاری از دکماتیسم و ذهنی گری ماتریالیسم تاریخی را به پیش می راند و تکامل می بخشد. ماتریالیسم تاریخی در احزاب کارگر، در طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان اعتماد راسخ ایجاد می کند که سرانجام کار و زحمت بر سرمایه غلبه خواهد کرد، استثمار از جهان رخت بر خواهد بست و جامعه کمونیستی جامعه ای آزاد، آباد و شکوفان بر خواهد خاست.\*



## ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده

بنابر درخواست مکرر خوانندگان محترم «توفان الکترونیکی» بر آن شدیم تا مفاهیم و مبانی فلسفه مارکسیسم را با زبانی ساده و قابل فهم برای عموم توضیح بدهیم. از اینرو هیأت تحریریه نشریه «توفان الکترونیکی» ستونی برای این امر اختصاص می دهد، تحت عنوان «ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده». با امید به اینکه بتوانیم از این طریق به نیاز خوانندگان این نشریه پاسخ داده باشیم.

\*\*\*

### حزبیت ماتریالیسم تاریخی

ماتریالیسم تاریخی را متفکرین و ایدئولوگ های پرولتاریا پایه گذارند و جز این هم نمی توانست باشد. قوانین تکامل اجتماعی، در عمل خود، همیشه با موجودیت و منافع طبقات کهنه و ارتجاعی یا با طبقاتی که دوران خود را پیموده و رو بزوال می روند برخورد پیدا می کند. قوانین تکامل اجتماع، در عمل خود، ناگزیر نظام کهنه و طبقات کهنه را می روبند و بجای آن نظام نو و طبقات مترقی را می نشانند. البته چنین قوانینی با روحیه طبقات ارتجاعی کهنه، که بهیچوجه قصد ندارند صحنه تاریخ را رها کنند، سازگار نیست، زیرا این قوانین به اضمحلال و نابودی آنها حکم می دهد. همین امر موجب می گردد که آنها به کشف این قوانین علاقه نشان نمی دهند یا با آنها، با عمل آنها بمقابله برمی خیزند. تا زمانی که بورژوازی در جامعه نقش مترقی بازی می کرد و برای استقرار نظام نوین و مترقی سرمایه داری با طبقه فئودال و اشراف در مبارزه بود متفکرین آنها در زمینه علوم اجتماعی به اکتشافاتی نائل آمدند و در راه بررسی قوانین تکامل جامعه گام هائی برداشتند ولی همین که به حکم این قوانین معلوم گردید که جامعه سرمایه داری ابدی نیست و باید جای خود را به جامعه دیگری بسپارد، همین که معلوم گردید که طبقه انقلابی پرولتاریا گورکن بورژوازی است و بورژوازی باید جای خود را به طبقه انقلابی پرولتاریا واگذارد، آنگاه بورژوازی و ایدئولوگ های وی به نفی وانکار قوانین اجتماعی پرداختند، بجای کشف قوانین جامعه و تکامل آن به تحریف و قلب این قوانین دست زدند، در برابر عمل این قوانین با سرسختی به مقابله برخاستند و همواره با تمام نیروهای عظیم خود می کوشند از مبارزه طبقاتی جلو گیرند. چنین است منطق بورژوازی و جوهر جامعه شناسی وی، جز این هم نمی تواند باشد. در چنین شرایطی، آن طبقه ای که کشف این قوانین تکامل جامعه علاقه مند است و از تکامل و پیشرفت جامعه، از کشف قوانین آن باکی ندارد و حتی قوانین مکشوفه را برای تسریع جریان تکامل مورد استفاده قرار می دهد، آن طبقه ای که در حفظ نظام کهنه ذینفع نیست، برعکس برانداختن و



## گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش

**پرسش:** رفقای محترم توفان، با عرض سلام و تشکر از اینکه نشریات خود را به من ارسال می‌دارید، پرسش دارم در مورد سوسیالیسم در اتحاد شوروی. آنچه من در ادبیات حزب شما خواندم و محکم بر آن تاکید می‌ورزید اقتصاد سرمایه‌داری دولتی را در دوره شوروی استالین سوسیالیستی ارزیابی می‌کنید. مگر سوسیالیسم مالکیت اشتراکی تعریف نمی‌شود. فرق اقتصاد سوسیالیستی با اقتصاد سرمایه‌داری دولتی چیست؟ بسیار ممنون می‌شوم تعریف خود را از مالکیت سوسیالیستی برایم بنویسید. با سپاس فراوان. امضا محفوظ

**پاسخ:** رفیق عزیز، تشکر از نامه تان و بسیار مسرویم که ادبیات حزب ما را با دقت می‌خوانید و چنین پرسش مهمی را طرح کرده‌اید. ما تلاش می‌کنیم بطور فشرده و مختصر به پرسش شما در مورد تعریف از سوسیالیسم پاسخ دهیم و به یکی از انحرافات رایج و سردرگمی که در این مورد در جنبش چپ ایران وجود دارد به پردازیم. امید که برایتان امید افتد.

**سوسیالیسم** بنا بر تعریف مارکس، یک دوران گذار به کمونیسم با دولت دیکتاتوری پرولتاریاست. سازمان اقتصادی دوران گذار در هر مرحله‌های از تاریخ و با تنوع بی‌شمار اشکال آن همواره به دو سیستم عمده، سرمایه‌داری و سوسیالیسم تقسیم می‌شود و جامعه در ابتدای امر خصوصیات هر دو سیستم را داراست. حتی با محو طبقات استالین‌مارگر و قبل از مرحله‌ی کمونیسم پاره‌های از این خصوصیات باقیست، چرا که سوسیالیسم کامل یا کمونیسم هیچگاه یکباره به وجود نمی‌آید. لنین در این رابطه می‌گوید:

«از لحاظ تئوری جای تردید نیست که بین سرمایه‌داری و کمونیسم یک دوران انتقالی معین فاصله است. این دوران نمی‌تواند مشخصات یا خواص این هر دو شکل اقتصادی اجتماعی را در خود جمع نکند.» (اقتصاد و سیاست در عصر دیکتاتوری پرولتاریا)

فورماسیون‌های قبل نیز چنین بوده‌اند. فی‌المثل سرمایه‌داری خود به یکباره در هیچ کشوری مسلط نشد، بلکه «دوران گذار» از فئودالیته به سرمایه‌داری را طی نمود. مرحله گذار

از یک حالت به حالت دیگر، نظریه‌ای علمی است که حتی با قوانین فیزیکی نیز به اثبات رسیده است و به قول لنین هر شخص تحصیل کرده‌ای که به نحوی از انحاء با تئوری تکامل آشنا باشد، باید ضرورت آن را درک کند. لنین براساس برداشت‌های علمی خود از اقتصاد روسیه این دوره گذار از فئودالیسم به سرمایه‌داری را در کتاب مشهور خود «توسعه سرمایه‌داری در روسیه» چنین بیان می‌کند:

«اقتصاد سرمایه‌داری نمی‌توانست به طور ناگهانی ظاهر شود و اقتصاد کوروه (کار خدمتی به فئودالیسم - توفان) یقیناً ناپدید گردید. تنها سیستم اقتصادی ممکن نوعی سیستم گذاری بود که خصوصیات هر دو سیستم کوروه و سرمایه‌داری را یکجا داشت. درحقیقت سیستم زراعتی بعد از فرم هم که به دست اربابان اعمال می‌گردید، دقیقاً دارای خصوصیات هر دو سیستم می‌باشد.» (ص ۱۲۴)

مارکس نیز به این دوره گذار در اروپا اشاره کرده و سراسر سال‌های انباشت اولیه سرمایه را متعلق به این دوره تاریخی گذار می‌داند که عاقبت مالکیت خصوصی سرمایه‌داری که بر مبنای کار دیگران قرار داشت، توانست این شکل را پشت سر گذاشته و سلطه خود را مستقر سازد.

شاید طرح این مسئله در اینجا بی‌ربط به نظر رسد، اما اشکال اساسی بسیاری از نظر آنچه در برخورد به سوسیالیسم در شوروی به این درک ارتباط دارد. نه شناختن جامعه گذار در سیاست و تاکتیک نیروهای سیاسی اثر گذاشته و آنها را از مسیر اصولی دور می‌سازد. همانگونه که در برخورد به مسئله دوران گذار در سوسیالیسم نیز شاهدیم، در دیکتاتوری پرولتاریا تا قبل از استقرار کامل سوسیالیسم اشکال مختلف تولیدی وجود دارد، خصوصاً در دوران اولیه آن که جامعه تمام کثافات گذشته را با خود دارد. این چند گونه‌گی بیشتر به چشم می‌خورد. لنین نیز به ۵ شکل مهم تولیدی در روسیه اشاره می‌کند. اما آنچه که در این مسئله مهم و تعیین کننده است، سیاست است. جهت اصلی اقتصاد را سیاست تعیین می‌کند و دیکتاتوری پرولتاریا، که هدف اقتصادی آن استقرار سوسیالیسم بود، کشور را همه جانبه به این سمت سوق داد. لنین در جمع‌بندی ۵ ساله انقلاب اکتر با وجود چنین عناصری در اقتصادیات کشور و حتی با وجود سلطه‌ی اقتصادیات خرد و پراکنده می‌گوید: «جمهوری ما در همان زمان، یک جمهوری سوسیالیستی بود و ما همه روزه شتابان، بسیار شتابان، اقدامات اقتصادی جدید گوناگونی به عمل می‌آوردیم که هیچ عنوانی جز اقدامات سوسیالیستی نمی‌شود به آنها داد.» البته برخی‌ها از جریان‌ات شبه سوسیالیست، که درک اکونومیستی از سوسیالیسم دارند، این را قبول ندارند، از این جهت نیز از کاربرد کلمه «سوسیال امپریالیسم شوروی» امتناع می‌ورزند، چرا که در غیر این صورت این «تصور» را می‌دهد که گویا روسیه یک کشور سوسیالیستی بوده که بعدها تغییر یافته است.

مطابق تزه‌های انحرافی این جریان‌ات، گویا حزب بلشویک تنها «سرمایه‌داری دولتی» را مستقر نمود و این شکل اقتصاد نیز از جانب لنین به عنوان تنها شکل اقتصاد دوران گذار پذیرفته شد و نتیجتاً هیچ تحول اقتصادی در شوروی صورت نگرفت و «بازسازی یک حکومت عادی بورژوازی» بود. البته این ترهات را تا آنجا ادامه می‌دهند که گویی تحولات روسیه در دوره لنین و بویژه استالین با خواست‌های سرمایه‌داری مطابق بوده و ساختمان سوسیالیسم بر طبق این نیاز بورژوازی بزرگ شوروی شکل گرفته است.

طبیعی بود که در روسیه فقیر و منهدم شده از جنگ جهانی اول و جنگ‌های داخلی با آن اقتصاد کوچک و پراکنده، ایجاد ساختمان

سرمایه‌داری مدارا می‌کند یعنی ما، باید به مطالعه آن بپردازد و کاری کند که سرمایه‌داری دولتی در دولت پرولتاریائی نتواند و جرأت نکند که از حدود و شرایطی که پرولتاریا برای او معین کرده و برای پرولتاریا مفید است، فراتر رود». (جلد ۳۳ مجموعه آثار - ص ۳۱۷)

آن چیزی که لنین آن را اقتصاد دوران گذار و یا اقتصاد سوسیالیستی می‌داند، انحصار دولتی سرمایه است. آن طور که از قبل از دهه ۶۰ در روسیه وجود داشت و چیزی جز سوسیالیسم نیست. این مالکیت سوسیالیستی که در دست دولت پرولتری متمرکز است برای عده‌ای قابل درک نیست و به صورت سرمایه‌داری دولتی فهمیده می‌شود. معلوم نیست که طرح خودشان از شکل اقتصادی دوره گذار چیست؟ آیا همان طرح معروف باکونین یعنی «فدراسیون کمون‌های آزاد» است یا «واگذاری کارخانه‌ها به کارگران». دیگر مدت هاست که روشن شده است که مالکیت دولتی وسائل تولید هنگامی که دولت، دولت پرولتاریا باشد و دیکتاتوری پرولتاریا حاکم باشد، خصلت سوسیالیستی دارد. لنین می‌گوید:

«سوسیالیسم چیزی نیست جز گام بلاواسطه‌ای که از انحصار سرمایه‌داری دولتی به پیش برداشته می‌شود. یا به عبارت دیگر، سوسیالیسم چیزی نیست جز انحصار سرمایه‌داری دولتی که به خدمت خلق گذارده شود و از این لحاظ دیگر جنبه انحصار سرمایه‌داری خود را از دست داده است». (خطر فلاکت و راه مبارزه با آن).

طبیعی است که پرولتاریائی که قدرت را به دست آورده است، باید وسائل تولید و سرمایه را تحت تابعیت دولت دیکتاتوری پرولتاریا قرار دهد. این از اصول اساسی سوسیالیسم است، که آن را با آنارشیزم در اینجا متفاوت می‌نماید.

مارکس و انگلس در مانیفست کمونیست خاطر نشان می‌سازند که:

**«پرولتاریا برای این که قدم به قدم سرمایه را از دست بورژوازی بگیرد و تمامی وسائل تولید را در دست دولت متمرکز سازد از سلطه خود استفاده می‌کند».**

انگلس نیز در آنتی دورینگ تأکید دیگری به این مسئله دارد و می‌گوید:

«پرولتاریا حکومت دولتی را به دست می‌گیرد و قبل از هر چیز وسائل تولید را به مالکیت دولتی مبدل می‌سازد». (تأکیدات از ماست - توفان)

پس روشن است که در اقتصاد دوران گذار یعنی اقتصاد دوره دیکتاتوری پرولتاریا باز هم با قدرت «الغنی» این دولت سر و کار داریم که تمام سرمایه را در دست خود متمرکز کرده و بی‌اعتنا به جنجال‌های «ضد آتوریته» آنارشستی و طرح باکونینستی «فدراسیون کمون‌های آزاد»، با انضباطی آهنین سازمان عظیم تولید را هدایت می‌کند. این «انحصار دولتی سرمایه» خلاف نظر جریان‌ات آنارشست شورا طلب نه تنها برای حزب بلشویک، بلکه حتی از مدت‌ها قبل در دوران مارکس روشن بوده است. اگر لنین از ناروشنی «سرمایه‌داری» حرف می‌زند، نوع خاص روسیه بود که در بالا توضیح دادیم. در بینش ایده‌آلیستی کنکرت، با مفاهیم، تعریف می‌شود، سر و ته کنکرت مشخص زده می‌شود، تا در غالب مفهوم بگنجد. اما درک ماتریالیستی مفهوم را از کنکرت در می‌آورند. نظریه سرمایه‌داری دولتی و عدم اعتقاد به پیروزی سوسیالیسم در یک کشور و هم چنین نظریه «آنارشستی شورائی و حزب ستیزان خطوط انحرافی مرتبطی هستند که حزب ما بارها آن را تحلیل کرده و جزوات متعددی انتشار داده است. برای آشنایی بیشتر با نظرات حزب ما می‌توانید به کتابخانه اینترنتی توفان رجوع کنید و این آثار ارزشمند را مطالعه کنید. برایتان پیروزی آرزو مندیم، به مکاتبه خود با ما ادامه دهید!»

سوسیالیسم به یکباره متصور نباشد. روسیه پس از انقلاب به واسطه شرایط جنگ در تهاجم اقتصادی خود علیه دهقانان و سرمایه‌داران کوچک بدون آن که پرولتاریا را برای آن آماده نماید، بیش از اندازه پیش تاخت. این امر سبب مقاومت کولاک‌ها و کاهش تولید و اخلاص در توزیع گردید. قشر وسیعی از دهقانان ناراضی بوده و با امتناع از واگذاری غله به دولت شرایط بسیار سخت و بحرانی‌ای، که منجر به قحطی شد، به وجود آوردند. اگر در این دوره به موقع عقب‌نشینی نمی‌شد و شرایط جدید اقتصادی با سیاست نوین اقتصادی به میان نمی‌آمد، پرولتاریا با فاجعه روبرو می‌شد. لنین در این باره می‌گوید: «گذار مستقیم به شکل‌های صرفاً سوسیالیستی اقتصادی و توزیع صرفاً سوسیالیستی از قدرت ما خارج بود و اگر نمی‌توانستیم عقب‌به‌نشینییم و وظائف آسان‌تری را به عهده بگیریم با فاجعه روبرو می‌شدیم.» (کنگره چهارم کمیتز - سخنرانی لنین).

مطابق این سیاست جدید اقتصادی، دهقانان مازاد محصولات خود را پس از پرداخت مالیات به تشخیص خود به مصرف می‌رسانند و آزادی داد و ستد برقرار گردید. حتی بهره‌برداری پاره‌ای از معادن، جنگل‌ها، میدان‌های نفتی تحت کنترل شدید دولت به سرمایه‌داری خارجی و داخلی اجازه داده شد و شرکت‌های مختلفی با آنها در صنایع نیز به وجود آمد تا از این طریق سوسیالیسم را نجات دهند. به این بخش از اقتصاد شوروی «سرمایه‌داری دولتی» نام نهادند و لنین دقیقاً منظور از سرمایه‌داری دولتی این‌ها بوده است. طبیعی بود که این عقب‌نشینی باجی باشد که دولت سوسیالیستی به واسطه ضعف پرولتاریا به بورژوازی جهانی و خودی می‌دهد. هم چنین دولتمردان جدید از این طریق توانستند «تجارت کردن» و اداره صنایع را بیاموزند و از اشتباهات آینده پرهیز نمایند. این عقب‌نشینی‌ها همان طور که همگان می‌دانند پس از چندی که پرولتاریا توان لازم را بازیافت متوقف شد و دوباره تهاجم به سرمایه‌داری آغاز گردید. همه امتیازات از بین رفت و تمامی شاخه‌های تولید مستقیماً در اختیار دولت سوسیالیستی قرار گرفت. حتی دهقانان نیز از تولید خرد و پراکنده به تولید جمعی و سوسیالیستی کشیده شدند. حال آیا این سرمایه‌داری دولتی همان سرمایه‌داری دولتی در کشورهای سرمایه‌داریست؟! لنین در این مورد مشخص چنین توضیح می‌دهد:

«در مفهوم متفاوت اند. سرمایه‌داری دولتی در دولت سرمایه‌داری بدین معناست که دولت آن را به رسمیت می‌شناسد و در جهت منافع بورژوازی و به زیان پرولتاریا بر آن نظارت می‌کند. در دولت پرولتاریائی هم همین کار در جهت منافع طبقه کارگر و به منظور ایستادگی در برابر بورژوازی هنوز نیرومند و مبارزه با آن انجام می‌گیرد». (سخنرانی در کنگره سوم کمیتز) عده‌ای از آنجا که قادر به درک تفاوت این دو نوع سرمایه‌داری دولتی نیستند، لنین را نیز متهم می‌کنند که «درک روشنی از اقتصاد دوره دیکتاتوری پرولتاریا» نداشته است و این نوع «سرمایه‌داری دولتی» را با انحصار دولتی سرمایه در دوران سوسیالیسم و سرمایه‌داری دولتی بورژوازی برابر می‌داند. به عبارت دیگر این عده از درک تفاوت ۳ شکل اقتصادی فوق عاجز هستند، از این رو ناچاراً به این نتیجه می‌رسند که «سرمایه‌داری دولتی» شکل اقتصاد دوره دیکتاتوری پرولتاریاست، که لنین آن را توصیه کرده و آنها نیز با آن «مخالفت‌اند». همان طور که اشاره رفت چنین نسبتی به لنین کاملاً نادرست و نوع خاصی از «سرمایه‌داری دولتی» که در یک دوره از تاریخ به بلشویک‌ها تحمیل شد، تنها کاربرد تاکتیکی داشته و از شاخه‌های سوسیالیستی متمایز بود. لنین در این باره می‌گوید:

«این سرمایه‌داری دولتی شکل غیر مترقبه‌ای است از سرمایه‌داری که هیچکس آن را پیش‌بینی نکرده است..... دولت پرولتاریائی با این



## پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام

**پرسش:** دوستان محترم توفان الکترونیک، امروز شعارهای مردم ایران روشن است. مردم شعارهایی می دهند که برخلاف گروه های سیاسی از جمله حزب شما است. مردم ایران تحت شرایطی که خودشان نان ندارند شعارهایی در مخالفت با کمک به سوریه، لبنان، فلسطین و یمن می دهند یا اگر هم ندهند با آن مخالفن این مخالفت ها در زمانی مطرح می شوند که مردم نان شب ندارند. شاید مردم ایران قلبا مخالف مردم یمن یا فلسطین و لبنان و سوریه نباشند ولی بخاطر وضع رقت بار اقتصادی جامعه مخالفت می کنند و شاید هم اکثریت مردم اینطور فکر می کنند. مگر چپ ها نباید از مردم و شعارهایشان حمایت کنند؟ لطفاً برایم این مسئله را توضیح دهید. با درودها. اهواز- سالم

**پاسخ:** دوست عزیز، تشکر از نامه تان. حزب ما از شعارها و مطالباتی دفاع می کند که دارای مضمون و اهداف مترقی باشند.

حزب ما به عنوان یک حزب کمونیست و انترناسیونالیست از حقوق تمام آحاد توده مردم و تحت ستم دفاع می کند و به تبلیغ وحدت و همبستگی می پردازد.

لازم به یادآوری است که در هر جنبش اعتراضی فاقد رهبری انقلابی و کمونیستی، بروز هر شعاری، حتا شعار بر ضد اهداف انسان دوستانه تظاهرکنندگان امکان پذیر است. دشمنان مردم با سوء استفاده از خلاء سیاسی موجود شعارهای نژادپرستانه و صهیونیست پرستانه و امپریالیست پرستانه و انحرافی را از طریق رسانه های امپریالیستی به درون جنبش می برند، تا آن را از مسیر طبیعی خود منحرف کنند. از جمله شعار «فلسطین، سوریه عامل بدبختیه!» یکی از این شعارهای ارتجاعی است.

چنین شعاری چه آگاهانه یا ناآگاهانه باشد خوش خدمتی و تطهیر رژیم نژادپرست و متجاوز و استعماری اسرائیل است که غزه فلسطین با بیش از یک میلیون زن و مرد و کودک و پیر

و جوان را تحت محاصره دریایی، هوایی و زمینی درآورده و نان، آب و دارو و ابتدائی ترین نیازهای انسانی را بر آنها حرام اعلام کرده است. روزی نیست که کودکان و جوانان فلسطینی در اعتراض به وضع ضدانسانی موجود به گلوله بسته نشوند. حقوق بشرطلبان ریاکار «متمدن» در مورد این بزرگترین زندان جهان سکوت مرگ کرده اند!

تبلیغ فلسطین ستیزی همدمستی با آدم خواران و شکنجه گران و کودک کشان جهانی است، چه بدان آگاه باشند یا نه باشند. سوریه ستیزی و نفرت پراکنی علیه مردم سوریه مشروعیت بخشیدن به جانوران تروریست داعشی در سوریه است و چنین سیاستی جز دامن زدن به کینه و نفرت بین خلق های ایران و سوریه و کلا زحمتکشان ملل مختلف خاورمیانه معنا نمی دهد. این سیاست خدمت به منافع اسرائیل و امپریالیسم آمریکا در منطقه است، که بخشی از خاک سوریه را به اشغال خود درآورده اند.

کمونیست ها و همه رهروان راه طبقه کارگر و مدافعین راستین سوسیالیسم همواره مُبشر برابری و دوستی و همبستگی تمام زحمتکشان ملل جهان بوده هستند.

تنها چنین پرچم و شعاری است که مظهر اتحاد، دوستی، تفاهم، همبستگی و همسرنوشتی ملل مختلف را بازتاب می دهد. تنها با به اهتزاز درآوردن پرچم اتحاد و همبستگی و مبارزه بی امان علیه دشمنان بشریت و شعارهای نفرت انگیز نژادپرستانه و شوونیستی است که می توان به وظیفه انترناسیونالیستی، برابری و وحدت طلبانه جامه عمل پوشید.

باید توجه کرد که عامل بدبختی ملت و همه زحمتکشان ایران، نظام ضدبشری سرمایه داری حاکم بر ایران، سیاست های نیولیبرالی، اختلاس و دزدی و رانت خواری است و این ربطی به ملل فلسطین و سوریه، لبنان و یمن ندارد. شعار حزب ما برخلاف آن شعارهای انحرافی، که شما بر شمردید، شعار صحیح اتحاد و همبستگی خلق های منطقه علیه ارتجاع و امپریالیسم را طرح می کند.

حزب ما به جای شعار اسرائیلی «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران»، شعار «چه غزه، چه سوریه، چه لبنان، چه ایران، وحدت زحمتکشان بر ضد ستمگران» را طرح می کند!

تنها با طرح شعارهای صحیح و وحدت طلبانه با روح همبستگی و برادری و برابری است که می تواند راه گشای مشکلات مردم ایران و منطقه باشد.

دنباله روی از مردم و شعارهای انحرافی و «همه با هم» سیاست صحیحی نیست و حزب ما ضمن حمایت از مبارزات مردم بر ضد رژیم جمهوری اسلامی به مبارزه علیه شعارهای انحرافی نیز می پردازد و در جهت تقویت مطالبات و اهداف مترقی جنبش مردم، که برای آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و استقلال است، از هیچ کوششی دریغ نمی ورزد. موفق باشید.\*



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان)
facebook.com/hezbekar.toufan					*	فیسبوک حزب کار ایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کار ایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کار ایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب
<b>POSTBANK</b>						
bank code 20110022						
bank account No.: 2573 3026 00						
IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00						
<b>P.O. BOX 1138</b>						
D64526 Mörfelden-Walldorf						
E-Mail: toufan@toufan.org						
Fax: 00496996580346						